

جستارهایی در پیدایش مفهوم انتخابات فرمایشی در ادبیات سیاسی ایران

دکتر فاطمه زینلی

انتخابات در دهه آخر رژیم قاجاری

انتخابات با انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی وارد ادبیات سیاسی ایران شد. از پیروزی جنبش مشروطه در سال ۱۲۸۵ ه.ش، تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، بیست و چهار دوره انتخابات مجلس شورای ملی برگزار شد. از این ۲۴ دوره، پنج دوره در زمان قاجاریه (۱۳۰۴-۱۲۸۵ ه.ش)، هفت دوره در حکومت رضاخان (۱۳۲۰-۱۳۰۴)^۱ و دوازده دوره در حکومت محمدرضاشاه (۱۳۵۷-۱۳۲۰) برگزار شد.^۲

مجلسین سنا و مؤسسان به موازات انتخابات مجلس شورا یا تحت شرایط خاصی تشکیل می‌شد. مجلس سنا بر اساس قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۲۸۵ ه.ش، به همراه مجلس

۱. سال‌هایی که مربوط به دوره حکومت رضاخان به بعد می‌شود، به هجری شمسی ذکر شده و دیگر در نوشتار حاضر تکرار نمی‌شود.

۲. علیرضا اسماعیلی و دیگران، اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۶۷-۶۵.





شورای ملی یکی از دو مجلس قانون‌گذاری ایران بود که نخستین بار در سال ۱۳۲۸ در زمان محمدرضا پهلوی تشکیل شد^۱ و با پیروزی انقلاب اسلامی منحل گردید. با توجه به انتصابی بودن نیمی از نمایندگان سنا توسط شاه، عملاً اراده ملی در انتخاب نمایندگان این مجلس، مفهوم خود را از دست داد و سنا تنها قدرت شاه را افزونی می‌داد. مجلس مؤسسان، مجمعی از نمایندگان ملت بود که از طریق انتخابات عمومی تشکیل می‌شد و مسئول تهیه قانون اساسی یا تغییر بعضی از اصول آن بود.

مهم‌ترین نهاد مشروطیت، مجلس شورای ملی بود. نخستین مجلس شورای ملی در روز ۱۴ مهر ماه ۱۲۸۵/۱۸ شعبان ۱۳۲۴ افتتاح شد.^۲ انتخابات مجلس اول مشکلاتی چون صنفی بودن انتخابات تهران، دو مرحله‌ای بودن انتخابات ولایات و ایالات و عدم تخصیص نماینده به اقلیت‌ها و ایالات را داشت.^۳ مطابق نظامنامه، انتخابات صنفی-طبقاتی بود و طبقات شش‌گانه شاهزادگان قاجاری، علما و طلاب، اعیان و اشراف، ملاکین، فلاحین و اصناف نمایندگان خود را برگزیدند.^۴

مشروطه‌خواهان در ماده ۳ و ماده ۵ نظامنامه، و همچنین قانون انتخابات مجلس شورای ملی، زنان را از انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم ساختند.

۱. عباس میلانی، نگاهی به شاه، تورنتو، بی‌نا، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰.

۲. غلامرضا سلامی (به کوشش)، اسنادی از انتخابات مجلس در دوره رضاشاه، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴، ص ۴.

۳. محمد مروار، مجلس شورای ملی دوره‌های بیست و یکم تا بیست و چهارم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۴۳.

۴. غلامرضا سلامی (به کوشش)، همان، ص ۳.



نظام نامه انتخابات مجلس ملی

بتاریخ دوشنبه ۲۰ شهر رجب المرجب

۱۳۲۴

در دارالطباعة «فاروس» بطبع رسید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظام نامه انتخابات مجلس شورای مای مطابق
دستخط مبارک بندکان اعلی حضرت هیونی خلد الله
ملکه که در تاریخ ۱۴ شهر جمادی الثانیه سنه
۱۳۲۴ شرف صدور یافته از قرار شرح ذیل است

(فصل اول قواعد انتخابات)

ماده اول — انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه
ایران از ایالات و ولایات باید از طبقات ذیل باشند
شاهزادگان و قاجاریه علماً و طلاب اعیان و
اشرف تجار ملاکین و فلاحین اصناف
تنبيه ۱ ایلات هرایالتی جزو سکنه آن ایالت محسوب و

بشرایط مقررہ حق انتخاب دارند تنبیہ ۲ ملاک عبارت
از ارباب ملک است فلاح عبارت از زارع

مادہ دوم — اشخاص کنندگان باید دارای مقامات ذیل باشند
اولاً سن آنها کمتر از بیست و پنج سال نباشد ثانیاً رعیت
ایران باشند ثالثاً معروفیت محلی داشته باشند رابعاً
ملاکین و فلاحین آنها باید صاحب ملک باشند که هزار تومان
قیمت داشته باشد پنجم تجار آنها حجره و تجارت معینی
داشته باشند ششم اصناف آنها باید از اهل صنف و کار
معین صنفی داشته باشند و دارای مکانی باشند که کرایہ آن دکان
مطابق کرایہ های حد وسط محلی باشد

مادہ سیم — اشخاصیکه از انتخاب نمودن کتبه محروم
هستند از قرار تفصیلند

اولاً طایفه نسوان ثانیاً اشخاص خارج از رشد و
آنها نیکه محتاج بقیم شرعی میباشند ثالثاً طبعه خارجه
رابعاً اشخاصیکه سن آنها کمتر از بیست و پنج سال باشد خامساً
اشخاصیکه معروف به فساد عقیده هستند سادساً ورشکسته که
بنقصیری خود را ثابت نکرده باشد سابعاً مرتکبین قتل و سرقت
و مقصرین و آنها نیکه مجازات اسلامی قانونی دیده اند و متهمین بقتل



وسرفت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند ثانیاً
 اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمتند
 اشخاصیکه از انتخاب نمودن بشرط ممنوعند از قرار ذیل است
 اولاً حکام و معاونین حکام در محل حکومت ثانیاً
 مستخدمین اداره نظمی و ضبطیه در محل ماموریت خودتان
 ماده چهارم — انتخاب شدگان باید دارای مقامات ذیل
 باشند اولاً زبان فارسی بدانند ثانیاً سواد فارسی داشته
 باشند ثالثاً رعیت داخله باشند رابعاً معروفیت محلی
 داشته باشند خامساً داخل در خدمت دولتی نباشند
 سادساً سن آنها کمتر از سی سال نباشد و اضافه از هفتاد سال نباشد
 سابماً در امور ممالک بصرتی داشته باشند
 ماده پنجم — اشخاصیکه از انتخاب شدن محروم هستند
 اولاً طایفه انانیه ثانیاً تبعه خارجه ثالثاً اهل نظام بری
 و بحری که مشغول خدمتند رابعاً ورشکسته بتقصیر
 خامساً مرتکبین بقتل و سرفت و مقصرین و آنهاستیکه مجازات
 قانونی اسلامی دیده اند و متهمین بقتل و سرفت و غیره که
 شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند سادساً آنهاستیکه سن شان از سی سال
 کمتر باشد سابماً اشخاصیکه موقوف بقساد عقیده هستند و متظاهر بسوق





قانون انتخابات مجلس شورای ملی

مورخه بیست و هشتم شوال ۱۳۲۹ قمری

که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه و پنجم و دوازدهم

مهر ماه خورشیدی ۱۳۰۴ و ۲۸ خرداد و ۲۲ تیرماه ۱۳۰۶

ودهم مهر ماه ۱۳۱۳ اصلاح و تصویب شده است

چاپخانه مطابری





مراد از انتخاب فردی آنست که هر يك از انتخاب کنندگان در ورقه رأی اسم يك شخص را مینویسند .

ماده هفتم - هر يك از انتخاب کنندگان زیاد. بر يك مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتیکه تجدید انتخاب لازم شود .

ماده هشتم - انتخاب کنندگان مجبور نیستند نماینده خود را از ساکنین محل خود انتخاب کنند

فصل دوم شرایط انتخاب کنندگان

ماده نهم - انتخاب کنندگان باید  شرایط ذیل باشند

- ۱ - تبعه ایران باشند .
- ۲ - لا اقل بیست سال داشته باشند 
- ۳ - در حوزه انتخابیه متوطن یا لا اقل از ششماه قبل از موقع انتخاب در آنجا ساکن باشند .

ماده دهم - کسانیکه از حق انتخاب کردن محرومند :

- ۱ - نسوان
- ۲ - کسانیکه خارج از رشد و آنهاثیکه در تحت قیمومیت شرعی هستند
- ۳ - تبعه خارجه
- ۴ - اشخاصیکه خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع الشرایط به ثبوت رسیده باشد
- ۵ - اشخاصیکه کمتر از بیست سال دارند
- ۶ - ورثه کسانی که به تقصیر



- ۷ - متکدیان و اشخاصیکه بوسایل بیشر فائمه تحصیل معاش مینمایند
- ۸ - مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند
- ۹ - مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده اند
- ماده یازدهم - کسانیکه بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محرومند.
- ۱ - اهل نظام بری و بحری باستانی صاحب منصبان افتخاری
- ۲ - صاحب منصبان و اجزاء امنیه و نظمیه در محل خدمت

فصل سوم

شرایط انتخاب شونده گان

- ماده دوازدهم - انتخاب شونده گان باید دارای صفات ذیل باشند .
- ۱ - متدین بدین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه (مسیحی و زردشتی و کلیه)
- ۲ - تبعه ایران باشند
- ۳ - خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند
- ۴ - در محل انتخاب معروف باشند
- ۵ - سن ایشان کمتر از سی و زیاده از هفتاد سال نباشد
- ۶ - معروف باهانت و درستکاری باشند
- ماده سیزدهم - اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند .
- ۱ - شاهزادگان بلا فصل (ابناء و اخوان و اعمام پادشاه)
- ۲ - نسوان



۳ - تبعه خارجه

۴ - مستخدمین امدیه و نظمیه و اهل نظام پری و بحری باستثناء صاحب منصبان
اقتیاری

۵ - حکام کل و جزء و معاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود

۶ - مأمورین مالیه در قلمرو مأموریت خود

۷ - کلیه رؤسای محاکم و مدعی العموم ها و وکلای عمومی در حوزه
مأموریت خودشان اعم از ولایت یا ایالت از انتخاب شدن بوکالت مجلس
شورای ملی محرومند

۸ - کلیه رؤسای دوایر دولتی از انتخاب شدن بعضویت مجلس شورای ملی
در حوزه مأموریت خود محروم خواهند بود و همچنین وزراء و معاونین
موقع انتخابات از تمام مملکت

نبره - سایر مستخدمین دولتی قابل آنستند بجهتند بشرط آنکه پس از انتخاب
برای مدت نمایندگی از شغل خود نمادهند

۹ - ورزشکستگان بتقصیر

۱۰ - مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی
اسلامی شده اند

۱۱ - متجاهرین بفسق و اشخاصی که فساد عقیده دینی و خرویشان از دین
حنیف اسلام در نزد یکی از حکام شرع جامع شرایط ثابت و یا
بشیاع رسیده باشد

۱۲ - مقصرین سیاسی که برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام
و اقدام کرده اند

۳ بهوجب قانون ۲۷ خرداد ماه ۱۳۰۶ اضافه شده است
۴ بهوجب قانون ۲۳ تیر ماه ۱۳۰۶ اضافه شده است



از نظر مشروطه خواهان در بدو امر، انتخابات از اهمیتی که بعد پیدا کرد برخوردار نبود و هدف آنها بیشتر افتتاح مجلس بود. بنابراین مشروطه خواهان از ترس آن که شاه فوت کند با عجله انتخابات تهران را انجام دادند.^۱ تعداد و کلای مجلس در قانون انتخابات ۱۵۶ نفر تعیین شده بود که بر حسب ضرورت می توانست به دویست نفر افزایش یابد. از این رقم شصت و کیل به پایتخت اختصاص داشت و مجلس لزوماً با همان و کلای پایتخت گشایش یافت. انتخابات این دوره تا انقصال مجلس اول کامل نشد.^۲ به طور کلی در دوره اول، انتخابات به ویژه در ایالات و ولایات همراه با هرج و مرج بود.

نظامنامه انحصار طبقاتی دوره نخست در دوره بعدی به تدریج اصلاح شد و راه را برای حضور بیشتر قشرها و طبقات مختلف جامعه فراهم کرد. انتخابات دوره دوم نیز به موجب نظامنامه انتخابات مصوب ۱۰ تیر ۱۲۸۸، غیر مستقیم و دو درجه ای بود.^۳ طبق قانون جدید انتخابات صنفی لغو شد و تعداد نمایندگان از ۱۶۰ به ۱۲۰ نفر تقلیل یافت.^۴ مجلس دوم پس از یک سال و چهار ماه و ۲۱ روز فترت، در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۲۸۸ / ۲ ذیقعد ۱۳۲۷ افتتاح شد.^۵



۱. محمد مروار، همان، ص ۴۴.

۲. فریدون آدمیت، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، تهران، گستره، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۴۷.

۳. علیرضا اسماعیلی و دیگران، همان، ص ۴.

۴. محمد مروار، همان، ص ۴۸.

۵. زهرا شجعی، *نخبگان سیاسی ایران*، تهران، سخن، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۹۸.



مجالس اول و دوم به ترتیب با به توپ بستن مجلس توسط لیاخوف روسی و اولتیماتوم روس‌ها در مخالفت با اقدامات شوستر امریکایی بسته شد. در انتخابات دوره سوم که در ماه‌های مهر و آبان ۱۲۹۳ برگزار گردید، بر اساس قانون جدید، انتخاب نمایندگان به صورت همگانی و عمومی بود و دهقانان نیز از حق رأی برخوردار شدند.^۱

به طور کلی، اگرچه تخلفات انتخاباتی صورت می‌گرفت و به ویژه «از ولایات سیل شکایت روان بود که حکام در امر انتخاب و کلا کارشکنی می‌کنند»،^۲ با این حال، همان‌گونه که یحیی دولت‌آبادی می‌گوید: «در دوره‌های اولی مجلس انتخابات آزاد بود»؛^۳ معنی این سخن آن است که انتخابات فرمایشی نبود و با دخالت برنامهریزی شده حاکمیت انجام نمی‌گرفت.

دوره چهارم با مسائل حاد سیاسی همچون جنجال قرارداد وثوق‌الدوله (۱۹۱۹م) همراه بود. بریتانیا سعی داشت به این قرارداد وجهه قانونی ببخشد و این امر مستلزم تصویب در مجلس شورای ملی بود. بنابراین وثوق‌الدوله نخست‌وزیر به منظور گزینش نمایندگان هوادار بریتانیا و تصویب قرارداد ۱۹۱۹، فرمان انتخابات مجلس چهارم را صادر کرد و جمعی را که به نظر می‌رسید بر اساس رایزنی‌های قبلی از قرارداد دفاع خواهند کرد به نمایندگی تهران برگزید. اما گسترش اعتراضات داخلی و خارجی و نیز بر ملا شدن توطئه تقلب گسترده در انتخابات در سطح وسیع به سقوط دولت وثوق‌الدوله منجر شد. چون انتخاب نمایندگان برخی از نواحی که تحت تأثیر و نفوذ مسئولان قرارداد ۱۹۱۹ صورت پذیرفته بود، مورد اعتماد ملت نبود، مخالفت‌هایی صورت گرفت و مشیرالدوله نخست‌وزیر جدید زمینه بر هم زدن قرارداد ۱۹۱۹ را در مجلس آینده فراهم کرد. در تاریخ مرداد ۱۲۹۹ بیانیه‌ای مبنی بر تجدید انتخابات و مراجعه به آرای عمومی در مورد و کلاهی انتخاب شده در صورت نارضایتی مردم از انتخابات گذشته صادر شد. نتیجه آن که، و کلاهی منتخب زمان وثوق‌الدوله اعلامیه‌ای منتشر کردند و ضمن آن مخالفت خود را با قرارداد ۱۹۱۹ اعلام داشتند.^۵ افتتاح مجلس چهارم با توجه به استمرار انتخابات از کابینه وثوق‌الدوله تا وقوع کودتای ۱۲۹۹ هـ.ش به طول انجامید و در کابینه قوام در اول تیر ۱۳۰۰ هـ.ش گشایش یافت.

۱. محمد مروار، همان، ص ۵۲-۵۱.

۲. فریدون آدمیت، همان، ص ۳۴۷.

۳. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران، عطار، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۰۳.

۴. قرارداد ۱۹۱۹ در ۱۷ مرداد ۱۲۹۸ میان دولت‌های ایران و انگلستان با امضای وثوق‌الدوله نخست‌وزیر وقت و سرپرستی ساکس سفیر انگلیس بسته شد. بر اساس این قرارداد، ایران انحصار تأمین سلاح، آموزش نظامی و مشاوران کشوری را به انگلستان واگذار کرد. این قرارداد که عملاً ایران را تحت‌الحمایه انگلستان قرار می‌داد، هرگز به تصویب مجلس شورای ملی نرسید. (رک: پرواند آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، مرکز، ۱۳۷۸، ص ۱۰۳)

۵. زهرا شجیعی، همان، ص ۲۰۷-۲۰۶.

انتخابات فرمایشی و دوران دیکتاتوری رضاخان

انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای ملی (۱۳۰۲ه.ش)، سه سال پس از کودتای ۱۲۹۹ه.ش به وقوع پیوست. درست زمانی که رضاخان به عنوان فرمانده کل قوا، وزیر جنگ و چندی بعد به عنوان رئیس الوزراء در اوج قدرت بود و تمام شئون کشور به ویژه انتخابات را در مشت خود داشت،^۱ این مجلس به ابزاری در دست نظامیان و فراماسون‌ها بدل شد و روح انتخابات را در آن دوران خدشه‌دار و حق انتخابات آزاد را از مردم سلب کرد.^۲ شرایط موجود زمینه را برای یک انتخابات فرمایشی و هدف‌دار فراهم کرده بود. هدف اصلی رضاخان روی کار آمدن مجلسی بود که با اهداف او همراه باشد.^۳ وی که از نیمه مجلس چهارم به اهمیت نقش مجلس پی برده بود، به نمایندگان این دوره نزدیک شد و به کمک حکام نظامی دست‌نشانده خود و با تشویق نمایندگان، دخالت‌های خود را در انتخابات مجلس پنجم اعمال کرد.

عبدالله مستوفی به این امر اشاره می‌کند که سردار سپه با پی بردن به اهمیت همراهی مجلس برای آن که بتواند تمامی کارها را بر وفق مراد انجام دهد، تلاش نمود ضمن توجه به انتخابات ولایات، نمایندگان هواخواه و مطیع خود را به مجلس وارد کند.^۴ یحیی دولت‌آبادی درباره انتخابات این دوره می‌گوید انتخابات دیگر آزاد نبود و هر کس را دربار می‌خواست انتخاب می‌کرد. رضاخان در ملاقات با وی پیش از رسیدن به سلطنت به صراحت می‌گوید: نمایندگی مجلس دیگر به کار شما نمی‌خورد زیرا شما مقید هستید کارها از روی قانون جاری باشد. در صورتی که مجلس تا چند دوره باید به همین صورت‌ها دایر بوده باشد. یعنی انتخابش به دستور دولت انجام بگیرد.^۵

اسناد فراوانی از دخالت‌های رضاخان و عوامل او در جریان انتخابات پنجم موجود است که گواه چنین گفته‌هایی است. اسنادی با عباراتی دستوری همچون: «لزوماً تذکر می‌دهم که از حوزه مأموریت شما (کاشان) اشخاص ذیل باید انتخاب بشود...»،^۶ «مقتضی است با اقدامات

۱. انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۷.

۲. غلامرضا سلامی (به کوشش)، همان، ص ۶.

۳. فخرالدین عظیمی، بحران دمکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران، آسیم، ۱۳۸۴، ص ۲.

۴. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه، تهران، زوار، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۵۸۳.

۵. یحیی دولت‌آبادی، همان، ص ۳۹۹.

۶. انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد، همان، ص ۶.



لازمه اشخاص مفصله از ولایات اصفهان و یزد انتخاب شوند»^۱ یا «لازم است اشخاص ذیل در انتخابات آتیه منتخب گردند: از شیراز... از آباده... از بوشهر...»^۲ از دستورات صریح وزیر جنگ به امرای لشکر سراسر کشور برای انتخاب اشخاص مدنظر خود حکایت می‌کند.



عده‌ای از نمایندگان مجلس دوره پنجم در ملاقات بارضاخان

با چنین مقدماتی است که رأی مجلس پنجم به خلع قاجاریه از سلطنت و تفویض اختیارات حکومت به طور موقت به رضاخان پهلوی و پس از آن تغییر موادی از متمم قانون اساسی توسط مجلس مؤسسان و موروثی کردن سلطنت در خانواده وی، قرار گرفت.^۳ پس از استقرار سلطنت پهلوی، حکومت مشروطه متأثر از انتخابات فرمایشی، معنی واقعی خود را از دست داد. رضاشاه برای پیشرفت کار خود در داخل و سرگرم نگه داشتن یک عده تقریباً دویست نفری از نمایندگان و کارکنان مجلس که بیکاری آنها ممکن بود تولید زحمت نماید، نگاه داشتن صورتی را به نام مجلس شورای ملی لازم دید تا عملیات دولت را در هر چه رأی او بود به واسطه گذراندن از مجلس رنگ قانونی دهد.^۴ طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۱ که عبدالحسین تیمورتاش وزارت دربار پهلوی را به عهده

۱. همان، سند شماره ۴، ص ۷.

۲. همان، سند شماره ۸، ص ۱۱.

۳. علیرضا اسماعیلی و دیگران، همان، ص ۵.

۴. یحیی دولت‌آبادی، همان، ص ۴۱۷.



داشت سر نوشت انتخابات دوره‌های ششم، هفتم، هشتم و نهم مجلس شورای ملی را ورق می‌زد. بر اساس اسناد منتشر شده، تیمورتاش مستقیماً در انتخابات مجلس اعمال نفوذ می‌کرد.^۱ بر اساس این اسناد، اسامی نامزدهای مورد تأیید دولت به استانداران و فرمانداران ابلاغ می‌شد و مسئولین محلی می‌بایست انجمن‌های نظارت بر انتخابات را از میان اشخاصی تشکیل می‌دادند که مطیع دولت بوده و برای انتخاب نامزدهای مورد نظر دولت متناسب باشند.^۲

در انتخابات مجلس ششم که در زمان سلطنت رضاشاه انجام شد، دخالت دولت در امر انتخابات، بیشتر و نمایان‌تر شد.^۳ در تهران چند نفر از ملیون خارج از صورتی که دربار به نظمیته داده بود انتخاب شدند، که دولت آبادی از آن با عبارت «آخر نمایش حکومت ملی» یاد می‌کند. با این حال درباریان راضی بودند، زیرا مقصود حقیقی آنها که در دست داشتن اکثریت کامل مجلس بود، با انتخابات فرمایشی در ولایات کاملاً تأمین شده بود. بدین ترتیب مجلس ششم مانند یک مؤسسه دولتی تحت نظر وزیر دربار دائر شد.^۴

با ادامه روند فرمایشی شدن انتخابات مجلس، وضعیت به گونه‌ای شد که به نوشته یحیی دولت‌آبادی «نمایندگان مجلس هفتم به بعد بدون استثناء اول باید رضایت دربار پهلوی را تحصیل کنند... نظمیته‌ها در موقع انتخابات دارالتحریر تشکیل داده، هزارها اوراق مطابق فهرست دولت نویسانده و آنها را به توسط سردسته‌ها به افراد می‌دهند که در صندوق انتخابات بریزند... گاهی اهل محل به هیچ‌وجه نمایندگان و یا نماینده خود را نمی‌شناسند بلکه شاید اسمش را هم نمی‌دانند.»^۵ فرمایشی بودن انتخابات به قدری آشکار بود که مدرس که فردی مورد علاقه مردم بود، حتی بدون یک رأی از حضور در مجلس بازماند.^۶ مشیرالدوله که در چند دوره انتخابات تهران به عنوان ریاست انجمن نظارت مرکزی انتخاب شده بود، برای انتخابات مجلس هفتم، چون بر او معلوم بود که باید آلت فعل انتخابات فرمایشی باشد، از شرکت در انجمن نظارت خودداری و پس از خاتمه انتخابات تهران نیز از قبول و کالت تهران استنکاف نمود. همچنین مستوفی‌الممالک و مؤتمن‌الملک زمانی که به نمایندگی تهران در مجلس هفتم انتخاب شدند از قبول آن خودداری کردند.^۷

۱. علیرضا اسماعیلی و دیگران، همان.

۲. غلامرضا سلامی (به کوشش)، همان، ص ۲۰.

۳. همان، ص ۱۱.

۴. یحیی دولت‌آبادی، همان، ج ۴، ص ۴۰۳-۴۰۲.

۵. همان، ۴۰۴.

۶. محمد مروار، همان، ص ۶۵.

۷. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۵۲۷-۵۲۶.



نمایندگان دوره هشتم مجلس شورای ملی

بخش نامه محرمانه تیمورتاش به حکام ولایات سراسر کشور در خصوص نحوه برگزاری انتخابات دوره هشتم تفسیر دقیق انتخابات فرمایشی در تمام دوران حکومت رضاخان و پسرش است. متن این بخشنامه آنقدر روشن است که نیاز به شرح و بسط ندارد.^۱

بخشنامه محرمانه تیمورتاش به حکام ایالات سراسر کشور در خصوص نحوه برگزاری انتخابات دوره هشتم مجلس شورای ملی

۲۳ خرداد ۱۳۰۹، رمز نمرة ۱۴

متحدالمآل

حکام ایالت شمال و شرق و غرب و جنوب

در تعقیب دستور صادره از مقام ریاست وزراء و وزارت جلیله داخله، طبق اوامر ملوکانه، در قسمت انتخابات دوره ۸ و انتخاب نماینده جهت مجلس شورای ملی،



۱. علیرضا اسماعیلی و دیگران، همان، ص ۶۷-۶۵.

لزوماً اعلام می‌دارد طبق صورتی که ارسال گردیده است باید جدیت لازم به عمل آید که این اشخاص جهت مجلس انتخاب شوند. اعلی حضرت اقدس شهرباری علاقمند هستند که باید اشخاص مفصله‌المندرجه در صورت لف، باید به هر قیمتی باشد انتخاب شوند. در صورتی که اندک تعللی در اجرای اوامر صادره بشود، مقصر بدیهی است مورد بی میلی اعلیحضرت واقع خواهد شد. بارعایت مواد مشروحه ذیل، راپرت جلسات خودتان را به وزارت دربار ارسال دارید.

۱. در صورتی که جهت انجام این مأموریت را ندارید، از تاریخ ملاحظه حکم تا ۴۸ ساعت از خدمت استعفا دهید.

۲. اشخاصی که باعث نُکث و بعلاوه در صدد هستند که نماینده به میل خودشان انتخاب کنند، از عملیات آنها جلوگیری به عمل آورید. در صورتی که به مخالفت خودشان باقی هستند فوراً آنها را تبعید نمایید.

۳. از مداخله روسها و مأمورین آنها و به علاوه بستگان آنها در امر انتخابات جلوگیری بطور محرمانه شود. در صورتی که از طرف عمال آنها مخارجی در قسمت انتخابات بشود، راپرت دهید تا دستور کلی در این موضوع داده شود. در کلیه امور آنها نهایت مراقبت را داشته باشید.

۴. اداره نظمی در این قسمت کاملاً مطیع شما خواهد بود. مأمورین اداره تأمینات هم مواظبت کامل خواهند نمود، ولی باید راپرتهای مربوطه را به شما داده و دستور کلی دریافت دارند.

۵. طبق اعلان صادره، مجالس را آزاد بگذارید، ولی آزادی آنها باید طوری باشد که باعث تخریب عملیات و انتظامات محلی نشود. در کلیه مجالس باید مأمورین مخفی شما حاضر و ناظر باشند.

۶. در مداخله مأمورین و عمال همسایه جنوب، ناظر بوده و راپرت دهید که عملیات آنها چه و از چه رویه و مطابق چه منظوری است.

۷. در کلیه مجالس باید فقط مأمورین شما به طور مخفی حاضر و ناظر عملیات آنها باشند و نیز باید کاندیدای حوزه حکومتی خودتان را فوراً تهیه و ارسال دارید که منظور اهالی چه اشخاصی می‌باشند.





۸. در کلیه قضایا^۱ طبق امر همایونی باید با مشورت اداره قشونی حوزه حکومتی خودتان اقدام شود [و] با مشورت هم امر انتخابات خاتمه یابد.

۹. در صورتی که اشخاص میل به وکالت داشته باشند، باید آنها را قبلاً نصیحت و بعداً تهدید، در صورتی که به جلسات خودشان ادامه دهند، راپرت دهید تا تبعید شوند.

۱۰. در صورتی که در صورتهای ارسالی تجدید نظری یا تغییرات^۲ سیاست و مصالح مملکتی ایجاب شود، بدیهی است تلگرافاً شخص منظور را معرفی خواهم نمود.

۱۱. ممکن است تغییری^۳ در صورت تهیه شود به طوری که در ماده ۱۰ ذکر شده است قبلاً اطلاع^۴ داده خواهد شد.

۱۲. نمایندگان شما طبق صورت ارسالی باید انتخاب شوند.

۱۳. بدیهی است در صورتی که کاملاً معلوم شد که موفقیت کامل حاصل نکرده‌اید، البته اقدام دیگری در صندوق آراء خواهد شد، ولی این موضوع بعداً در صورت عدم موفقیت انجام خواهد شد.

تیمورتاش

۱. در اصل: قضایای.

۲. در اصل: تغییرات.

۳. در اصل: تغییری.

پس از عزل تیمور تاش و حذف وزارت دربار،^۱ نقش مؤثر در سر نوشت انتخابات را وزارت داخله بر عهده داشت.^۲ از طریق دفتر مخصوص شاهنشاهی خواسته‌های رضاشاه به وزارت داخله منعکس می‌شد. همچنین وزارتخانه جنگ نیز اگر چه به طور مستقیم در برگزاری انتخابات نقشی نداشت ولی اراده نظامیان بلند پایه، در تعیین سر نوشت یک حوزه انتخابیه تأثیر فراوان داشت.^۳

مجلس دوره نهم، نخستین مجلس پس از عزل تیمور تاش بود که در ۲۴ اسفند ۱۳۱۱ افتتاح شد. در این دوره عده‌ای از علما به علت عدم قبول دعوت از حضور خودداری کردند.^۴ مجالس دهم، یازدهم و دوازدهم به ترتیب در تواریخ ۱۵ خرداد ۱۳۱۴،^۵ ۲۰ شهریور ۱۳۱۶ و ۳ آبان ۱۳۱۸، افتتاح شد.^۶ این مجالس از آرام‌ترین و مطیع‌ترین مجالس دوره پهلوی بودند و دیگر خبری از انتخابات واقعی در کار نبود.^۷ دخالت حکومت پهلوی اول در انتخابات با هدف انتخاب نمایندگان مطیع، عمر دمکراسی پارلمانی را از مدت‌ها پیش به سر آورده بود.

انتخابات فرمایشی در دوران پهلوی دوم

فرمان انتخابات دوره سیزدهم قبل از سقوط رضاشاه، در تاریخ ۱۳۲۰/۳/۱۱ صادر شد و طبق معمول با مخابره تلگراف‌های رمز و کشف به استانداری‌ها و فرمانداری‌ها، کار انتصاب نمایندگان آغاز شد. هنگام ورود متفقین و سقوط دیکتاتوری انتخابات نیمه کاره بود. به رغم خواست ملت، پس از خلع رضاشاه، فروغی مانع تجدید انتخابات دوره سیزدهم شد و انتخابات فرمایشی دوره رضاشاه را تأیید کرد.^۸ در بین نمایندگان دوره سیزدهم، نسبت به دوره دوازدهم هیچ تغییری داده نشد. حتی دو-سه نفری که اغلب در ادوار سابق تغییر داده می‌شد این بار هیچ تغییری نکرد.^۹

مردم تهران به تصور این که شکایت به شاه جدید گره‌گشای کار است، عریضه‌ای به

۱. وزارت دربار در سال ۱۳۱۱ به دستور رضاشاه تعطیل و مجدداً در سال ۱۳۱۸ بازگشایی شد.

۲. علیرضا اسماعیلی و دیگران، همان، ص ۵.

۳. همان، ص ۶.

۴. یونس مروارید، از مشروطه تا جمهوری، تهران، اوحدی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۹.

۵. همان، ص ۱۵۲.

۶. همان، ص ۱۸۴.

۷. همان، ص ۲۰۵.

۸. محمد مروار، همان، ص ۶۵.

۹. گذشته چارغ راه آینده است، پژوهش گروهی جامی، بی‌جا، نیلوفر، ۱۳۶۲، ص ۱۳۶.

۱۰. عباس مسعودی، اطلاعات در یک ربع قرن، بی‌جا، اطلاعات، ۱۳۲۹، ص ۲۱۸.





امضای هزار تن از تجار و اصناف و غیره تهیه کرده و خواستار لغو انتخابات فرمایشی دوره سیزدهم شدند. در این عریضه آمده بود:

... این و کلا که غالباً هفت دوره است به همین ترتیب بدون این که روح ملت از آنها باخبر باشد به مجلس ملی وارد شده‌اند، در این دوره هم به همان قرار بدون این که ذره‌ای به قانون انتخابات توجه شده باشد برگزیده شده‌اند...^۱

با این حال مجلس سیزدهم با همان وکلای انتخابی پهلوی اول افتتاح شد و طی یک ساعت و نیم، ۱۶۶ اعتبارنامه خوانده و تصویب شد؛ یعنی هر اعتبارنامه در مدت چهل و هفت ثانیه. این سرعت عمل و شتابزدگی در تاریخ پارلمان ایران حتی در دوره رضاشاه نیز سابقه نداشت.^۲

رهبری ضعیف شاه و کاهش استقلال عمل او طی دهه بیست، سبب شد که قدرت حکومت بیشتر به دست نخست‌وزیر و مجلس که طبق قانون اساسی اختیار گزینش و تأیید نامزد نخست‌وزیری را داشت بیفتد. بنابراین کنترل بر مجلس یک هدف کلیدی برای گروه‌های مختلفی شد که به دنبال به دست آوردن قدرت بودند. در چنین شرایطی، اگرچه روند فرمایشی بودن انتخابات توسط شاه و دربار کاهش یافت، اما همچنان کانون‌های دیگر قدرت، اجرای انتخاباتی آزاد را دشوار می‌ساخت.

کابینه علی سهریلی انتخابات دوره چهاردهم را در تابستان ۱۳۲۲ برگزار کرد. بعد از بیست سال برای اولین بار بود که مردم طعم انتخابات آزاد را چشیدند.^۳ این مجلس طولانی‌ترین، رقابتی‌ترین و مهم‌ترین انتخابات دوران پهلوی بود.^۴ به علت فروپاشی سازمان حکومتی هیچ یک از قدرت‌ها (شاه، نخست‌وزیر، متفقین، احزاب سیاسی و سران محلی) بر انتخابات تسلط مطلق نداشتند و چون نمی‌توانستند نتیجه انتخابات را دیکته کنند، به این بسنده می‌کردند که از نامزدهایی پشتیبانی کنند که در منطقه آنها اعتباری داشتند.^۵ با این همه به دلیل حضور ارتش بیگانه در کشور، استقرار حکومت نظامی و دخالت ارتش و سردمداران رژیم سابق بر سیاست عمومی کشور، امکان راهیابی نمایندگان واقعی ملت به مجلس مهیا نشد و جز عده‌ای

۱. محمدعلی سفری، قلم و سیاست، بی‌جا، رامک، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۹.

۲. گذشته چراغ راه آینده است، همان، ص ۱۴۰.

۳. محمد مروار، همان، ص ۷۰.

۴. همان، ص ۷۱.

۵. پرواند آبراهامیان، همان، ص ۱۶۸.

بقیه همان بافت و همان وکلای زمان رضاشاه بودند.^۱

انتخابات مجلس پانزدهم توسط احمد قوام نخست‌وزیر برگزار شد. قوام با تأسیس حزب دمکرات به دخالت در امر انتخابات پرداخت و از آنجا که علاوه بر نخست‌وزیری، پست وزارت کشور را هم در اختیار داشت به راحتی از عهده برگزاری انتخابات برآمد. در مورد دخالت قوام در امر انتخابات، وی تا آنجا پیش رفت که از کاندیداهای حزب دمکرات قبل از انتخاب سوگند وفاداری می‌گرفت.^۲ وی از چنان تسلطی بر انجمن نظارت بر انتخابات تهران برخوردار بود که ۲۳ نامزد عمده با نظریات سیاسی بسیار متفاوت به رهبری مصدق دور هم جمع آمدند تا برای اعتراض علنی در دربار تحصن کنند. همچنین دویست نفر از کسبه و ششصد نفر از دانشجویان در اعتراض به انتخابات ناعادلانه به خیابان‌ها ریختند. با این حال در انتخابات تقلب شد و دمکرات‌ها همه دوازده کرسی تهران را اشغال کردند.^۳ البته قوام با این کار توانست نیروهای شوروی را از ایران بیرون و از تجزیه آذربایجان جلوگیری کند.^۴

انتخابات شانزدهمین دوره قانون‌گذاری در زمان نخست‌وزیری ساعد و وزارت دربار هژیر برگزار^۵ و مجلس شانزدهم در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ ش افتتاح گردید.^۶ بازیگران اصلی انتخابات این دوره سه تن از نزدیکان دربار بودند که الهام اصلی را از شاه یا خواهر او اشرف پهلوی می‌گرفتند: سپهبد حاج علی رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش، منوچهر اقبال وزیر کشور، و عبدالحسین هژیر وزیر دربار.^۷ اعمال نفوذ برای فرستادن نمایندگان به مجلس شانزدهم که موافق تصویب قرارداد «ساعد-گش» (قرارداد الحاقی گس-گلشائیان)^۸ باشند از اهم وظایف دولت ساعد و هژیر بود.^۹ این امر به مداخلات غیرقانونی گسترده در جریان انتخابات انجامید که این دخالت‌های ناروا، اعتراضات روزافزونی به بار آورد. از جمله اعتراض انجمن‌های نظارت بر انتخابات و استعفای دسته‌جمعی آنها که البته مانع از اعمال غیرقانونی و تحمیلات

۱. محمد مروار، همان، ص ۷۲-۷۱.

۲. همان، ص ۷۴.

۳. یرواند آبراهامیان، همان، ص ۲۱۸-۲۱۷.

۴. محمد مروار، همان، ص ۷۴.

۵. همان، ص ۱۳۶.

۶. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۲۴۵.

۷. فخرالدین عظیمی، تأملی در نگرش سیاسی مصدق، تهران، خجسته، ۱۳۸۷، ص ۵۰.

۸. قرارداد گس-گلشائیان یا قرارداد الحاقی در ۲۶ تیر ۱۳۲۸ بین دولت ایران و نمایندگان شرکت نفت ایران و انگلیس به عنوان ضمیمه قرارداد ۱۳۱۲ امضا شد و بر اساس آن شرکت نفت تعدیلاتی در مبالغ پرداختی به ایران را می‌پذیرفت. این قرارداد به تصویب مجلس شورای ملی نرسید. (رک: فؤاد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت، تهران، کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۳، ص ۸۵-۷۲)

۹. عبدالرحیم ذاکر حسین، ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران، علم، ج ۳، ۱۳۷۷، ص ۳۱۵.





دولت نشد.^۱ در چنین شرایطی، مصدق با گروهی از سیاسیون، دانشجویان دانشگاه و اصناف بازار در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۲۸ برای اعتراض به آزاد نبودن انتخابات به دربار رفت. در محوطه دربار، کمیته بیست نفره‌ای به ریاست مصدق برای مذاکره با هژیر وزیر دربار انتخاب شد که به زودی هسته اولیه جبهه ملی مصدق را تشکیل داد.^۲ جبهه ملی تأکید اصلی را بر تقاضای انتخابات و مطبوعات آزاد و نفی حکومت نظامی نهاد و مدعی شد مقامات دولت می‌خواهند مجلسی بر سر کار آورند که قرارداد نفتی به سود انگلستان و به زیان ایران به تصویب رساند.^۳ در آستانه تأیید انتخابات و بی‌نتیجه ماندن تحسن در دربار، هژیر که بیشترین نقش را در انحراف انتخابات داشت، توسط فداییان اسلام به قتل رسید.^۴ ترور هژیر باعث شد انتخابات دوره شانزدهم ابطال، و بار دیگر در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۲۹ در تهران برگزار گردد.^۵ در نهایت تنها هفت نفر از اعضای جبهه ملی به مجلس شانزدهم راه یافتند و در مناطق دیگر انتخابات از سلطه تعیین‌کننده دربار و حکومت بر کنار نماند.^۶

انتخابات دوره هفدهم از اواخر آذر ۱۳۳۰ در شهرستان‌ها و از ۱۷ دی ۱۳۳۰ ش در تهران آغاز شد.^۷ این انتخابات در دوره نخست‌وزیری مصدق برگزار شد.^۸ وی طی سخنرانی در جلسه ۳ آذر ۱۳۳۰ در مجلس گفته بود تصمیم دارد از کوچکترین اعمال نفوذ و تجاوز قوای دولتی در استفاده حقوقی مردم برای انتخاب و کلای خود جلوگیری نماید.^۹ و کوشید تقلب و تأثیر عوامل بانفوذ سنتی را از طریق اقداماتی مانند تغییر فرمانداران و استانداران و تعیین اعضای انجمن‌های نظارت به قید قرعه کاهش دهد ولی حکومت او نتوانست هواداران شاه، متنفذان سنتی، ارتش و نیروهای انتظامی و همچنین برخی از هواداران خود را به آسانی مهار کند.^{۱۰} دولت او هیچ تسلطی بر سازمان ارتش و نظامیان که همواره در انتخابات مداخله می‌کردند نداشت. بر کنار داشتن مالکین و خوانین از مداخله در مناطق روستایی تقریباً امری

۱. یونس مروارید، همان، ص ۲۴۵.

۲. پروانده آبراهامیان، همان، ص ۲۲۷؛ عبدالرحیم ذاکر حسین، همان، ص ۳۱۶.

۳. فخرالدین عظیمی، همان، ص ۵۱.

۴. محمد مروار، همان، ص ۷۵.

۵. عبدالرحیم ذاکر حسین، همان، ص ۳۱۶.

۶. فخرالدین عظیمی، همان، ۱۳۸۷، ص ۵۲.

۷. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۳۵۵.

۸. فخرالدین عظیمی، همان.

۹. عبدالرحیم ذاکر حسین، همان، ص ۳۹۰.

۱۰. فخرالدین عظیمی، همان، ۱۳۸۷، ص ۵۳.

غیر ممکن به نظر می‌رسید.^۱ بنابراین در این دوره نیز روند تقلبات گسترده انتخاباتی ادامه یافت.

در این انتخابات، احمد وثوق فرمانده ژاندارمری بنا به گفته خود، بدون صدور دستوری از سوی شاه و مصدق و به ابتکار شخصی خود، تمام فرماندهان نواحی مختلف را به تهران احضار و به آنها توصیه نمود که به هر روش ممکن از انتخاب نمایندگان مخالف رژیم و متمایل به چپ جلوگیری نمایند.^۲ دولت انتخابات را پس از آن که تنها ۷۹ نماینده انتخاب شده بودند متوقف کرد. مصدق طی نامه‌ای به مجلس از انتخاب شدن شماری از کسانی که از دیدگاه او نماینده حقیقی مردم نبوده و به پشتوانه نفوذ، زور و پول به مجلس راه یافته بودند شکوه کرد.^۳ سرانجام آن که انتخابات اکثر حوزه‌ها به علت تشنجات سیاسی و مخالفت گروه‌های متنفذ تا پایان عمر طبیعی خود معوق ماند.^۴

با وقوع کودتا، بار دیگر جو خفقان و استبداد بر جامعه حکمفرما شد. در نتیجه، فعالیت احزاب مستقل و غیر دولتی دچار فروپاشی شد. در چنین شرایطی، انتخابات دوره هجدهم قانونگذاری در زمستان ۱۳۳۲ توسط دولت کودتا آغاز شد^۵ و نقش تعیین کننده را شاه و زاهدی، که نخست‌وزیر و وزیر کشور بودند، ایفا کردند.^۶ دولت کودتا با نزدیک شدن تاریخ برگزاری انتخابات، توجهات مردم را از اجرای انتخابات فرمایشی به محاکمه مصدق و دیگران جلب نمود.^۷ زاهدی پس از کودتا می‌خواست قرارداد مربوط به نفت را تصویب کند. آیت‌الله کاشانی که موضوع را دریافته بود،^۸ تا مرحله شکایت به سازمان ملل پیش رفت و در تلگرافی به ریاست این سازمان، ضمن اشاره به این که دولت زاهدی اصول اساسی مملکت و موارد مصوبه منشور ملل متفق را زیر پا گذاشته و نمی‌تواند مظهر اراده ملت باشد، هر قراردادی که مجلسین این دولت تصویب کند را فاقد ارزش قانونی اعلام کرد.^۹ اما اعتراضات علما و سیاستمداران مخالف دولت که خواستار آزادی انتخابات بودند مؤثر واقع نشد. از این دوره به بعد دوباره پای نمایندگان مطیع به مجلس باز شد و مجلس حالت منفعل به

۱. محمد مروارید، همان، ص ۷۶.

۲. همان، ص ۱۳۷-۱۳۶؛ فخرالدین عظیمی، همان، ۱۳۸۷، ص ۵۳.

۳. فخرالدین عظیمی، همان، ۱۳۸۷، ص ۵۴.

۴. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۳۴۹.

۵. همان، ص ۵۰۷.

۶. فخرالدین عظیمی، همان، ۱۳۸۷، ص ۵.

۷. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۵۰۷.

۸. عبدالرحیم ذاکر حسین، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۰۰.

۹. محمدعلی سفری، همان، ج ۲، ص ۱۳۱؛ عبدالرحیم ذاکر حسین، همان، ۱۳۷۰، ص ۳۰۰.





خود گرفت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ برای نخستین بار در این دوره بود که دولت بدون دریافت رأی اعتماد از مجلس شروع به کار کرد.^۱ سران رژیم حتی کوشش چندانی در پنهان کاری برگزاری انتخابات فرمایشی خود نکردند. سر تپ محمدحسین جهانبانی معاون زاهدی در وزارت کشور و گرداننده انتخابات مجلس هجدهم، در آغاز انتخابات شهرستان‌ها گفته بود که در تمام ایران یک نفر نماینده بدون دستور من از صندوق در نخواهد آمد.^۲ بنا به گفته یکی از فعالان ملی در انتخابات مجلس هجدهم «دسته چاقو کشان دولتی... با آزادی کامل وارد میدان فعالیت‌های انتخاباتی شد» و با کمک «قوای تأمینیه»، «عده بی‌شماری را در ظرف سه روز انتخابات بر خاک هلاکت افکند... شبانه اعضای انجمن نظارت... صندوق‌ها را تعویض و یا مقدار زیادی هر شب بر آرای صندوق‌ها می‌افزودند...».^۳ مجله تایم ضمن مقاله مفصلی نوشت دوازده نفر از وکلای تهران قبل از این که اولین رأی‌دهنده رأی خود را به صندوق بیاورد، تعیین شده بودند. نمایش انتخابات دولت زاهدی سرانجام با راه‌یابی معتقدین به اصطلاح قیام ملی ۲۸ مرداد به مجلس پایان یافت.^۴

در انتخابات مجلس هجدهم، شاه برای آخرین بار در دوران پادشاهی خود به ایفای نقشی مؤثر از سوی نخست‌وزیر تن در داد؛^۵ اما او همین که کنترل خود را بر حکومت تحکیم بخشید، انتخابات مجلس را به گونه‌ای مستقیم‌تر تحت تسلط در آورده و در نتیجه مطمئن شد این نهاد نیز به وی وفادار خواهد بود.

محمدرضاشاه و دربار با استفاده از شیوه‌های مختلفی همچون به کارگیری نیروهای امنیتی، تعیین و گزینش داوطلبان مورد نظر و حذف نامزدهای مستقل، در جریان انتخابات اعمال نفوذ می‌کردند.^۶ علاء‌نخست‌وزیر تصدی برگزاری انتخابات دوره نوزدهم را به عهده داشت و مجلس در خرداد ۱۳۳۵ افتتاح و^۷ انتخابات زیر نظر مستقیم اسدالله علم در مقام وزیر کشور برگزار شد. خفقان حاکم چنان بود که دیگر خبری از اعتراض و شکایت درباره

۱. محمد مروار، همان، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۱۳۸.

۳. محمدعلی سفری، همان، ج ۲، ص ۵۸-۶۲.

۴. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۵۰۸.

۵. فخرالدین عظیمی، همان، ۱۳۸۷، ص ۵.

۶. مسعود شهرام‌نیا و مجید اسکندری، «ناکارآمدی نخبگان سیاسی در کارآمدسازی روند توسعه ایران عصر پهلوی»، گنجینه اسناد، ش ۷۷، ۱۳۸۹، ص ۷۹.

۷. محمد مروار، همان، ص ۱۳۸.

۸. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۵۶۷.



انتخابات نبود؛^۱ جریان انتخابات دوره نوزدهم، مجلسی دست‌چین بود که رژیم حتی افراد میانه‌رو را هم از آن بیرون گذاشته بود. این دوره الگوی کاملی بود از انتخابات دوره رضاشاهی. دو گروه کاملاً حذف شدند: یکی هواداران سپهبد زاهدی و دیگری کسانی که در پاره‌ای مسائل چون قرارداد نفت مخالفت کرده بودند.^۲ از ۱۳۶ نماینده دوره هجدهم، حدود یک‌صد نماینده به دوره نوزدهم راه یافتند و جمعی نیز حوزه انتخابی‌شان عوض و عده‌ای هم پسر به جای پدر یا برادر به جای برادر به مجلس آمدند. بر اساس بررسی به عمل آمده، معلوم گردید کلیه وکلای منتخب به نحوی با یکدیگر بستگی فAMILI داشتند.^۳

در اواخر دهه ۱۳۳۰، استانداران با استفاده از ژاندارمری و شهربانی بر انتخابات پارلمانی نظارت داشته و بدین‌وسیله بر مجلسین سنا و شورای ملی مسلط بودند.^۴ در دوره بیستم علاوه بر دربار، دولت، پلیس و ارتش، عامل جدیدی به نام ساواک نیز بر نحوه برگزاری انتخابات نظارت می‌کرد.^۵ تعداد نمایندگان مجلس از ۱۳۶ نفر به دویست نفر و دوره نمایندگی از دو سال به چهار سال افزایش یافت.^۶

انتخابات فرمایشی در لوای احزاب فرمایشی

انتخابات دوره‌های بیستم به بعد، انتخابات فرمایشی در لوای احزاب فرمایشی بود. حکومت با حذف احزاب مستقل، احزاب دولتی را که بی‌اتکا به حمایت‌های مردمی بودند، جایگزین آنها کرد. این احزاب عملاً به شکل ابزارهای حفظ و تقویت قدرت سیاسی به کار رفتند.

در سال ۱۳۳۶ شاه تصمیم به ایجاد دو حزب رسمی ملیون و مردم گرفت تا به‌ظاهر یک سیستم سیاسی رقابت‌آمیز را پدید آورده و افراد بالقوه مخالف را محدود کند.^۷ مقرر شده بود این دو حزب، ظاهری دمکراتیک به حکومت ایران بدهند.^۸ حزب مردم به ریاست اسدالله علم در سال ۱۳۳۶ و حزب ملیون به ریاست منوچهر اقبال در اردیبهشت ۱۳۳۷ تأسیس

۱. محمد مروار، همان، ص ۸۱-۸۲.

۲. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۵۶۷.

۳. همان، ج ۳، ص ۵۹۴-۵۹۳.

۴. یرواند آبراهامیان، همان، ص ۳۸۳.

۵. محمد مروار، همان، ص ۱۳۹.

۶. یرواند آبراهامیان، همان، ص ۳۸۳.

۷. مارک گازیوروسکی، سیاست خارجی شاه و آمریکا، ترجمه رشید زنگنه، تهران، رسا، ۱۳۷۱، ص ۳۳۰-۳۲۹.

۸. رجال عصر پهلوی، دکتر امینی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۲۶.



شدند. هر دو حزب به اشاره شاه و مجری اوامر او بودند.^۱ اقبال با افتخار خود را «چاکر شاه» می‌نامید. و علم دوست دوران کودکی شاه بود. این دو حزب به احزاب «بله» و «بله قربان» مشهور بودند.^۲ شریف امامی اذعان می‌کند که «در ایران حزب به معنای واقعی نداشتیم» و «احزابی که عمل می‌کردند، یک صورت ظاهری بیش نبودند».^۳ این احزاب که در واقع بازپچه‌ای بیش نبودند راه را برای دخالت قانونی دولت و دربار در انتخابات دوره بیستم هموار کردند. چنان که امینی در نطق انتخاباتی خود با حمله به احزاب ملیون و مردم، اشاره می‌کند که مبارزات جنبه تباری و ظاهر سازی پیدا کرده است.^۴

انتخابات دوره بیستم در آغاز چهارمین سال نخست‌وزیری دکتر اقبال برگزار شد.^۵ در ۳۰ تیر ۱۳۳۹، وزارت کشور دستور شروع انتخابات مجلس بیستم را صادر کرد.^۶ مبارزات انتخاباتی بین سه گروه، حزب ملیون به رهبری منوچهر اقبال، حزب مردم به رهبری اسدالله علم و منفردان به رهبری کسانی چون علی امینی، سید جعفر بهبهانی و ارسلان خلعتبری بود.^۷ به جبهه ملی دوم امکان شرکت در مبارزات انتخاباتی داده نشد؛^۸ دکتر نصرالله کاسمی وزیر مشاور و دبیر کل حزب ملیون اعلام کرد نباید گذاشت حتی یک تن از ماجراجویان شناخته شده توفیق یابند.^۹ روز ۵ مرداد، جبهه ملی در اعتراض به آزاد نبودن انتخابات، میتینگی در میدان جلالیه ترتیب داد و در قطعنامه‌ای خواستار ابطال انتخابات شد.^{۱۰} همچنین طی اعلامیه‌ای در خصوص انتخابات مجلس بیستم نوشت: «در فقدان آزادی انتخابات حتی یک نفر از افراد مملکت تردید نمی‌کند». جای تردید نیست «وقتی آقای دکتر اقبال در آخرین جلسه مجلس شورای ملی به بهانه لزوم جلوگیری از زد و خورد یا به بهانه خطرناک بودن ورود عده‌ای به مجلس، صریحاً به سلب آزادی عمومی در انتخابات اعتراف نمودند...»^{۱۱}

۱. رجال عصر پهلوی: دکتر منوچهر اقبال به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۲۵.

۲. یرواند آبراهامیان، همان، ص ۳۸۳.

۳. جعفر شریف امامی، خاطرات جعفر شریف امامی، حبیب لاجوردی (ویراستار)، تهران، سخن، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳.

۴. اطلاعات، س ۳۵، ش ۲۶۵، ۱۰/۳/۱۳۳۹، ص ۱۷.

۵. رجال عصر پهلوی: دکتر امینی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۲۶.

۶. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۱۳۶.

۷. همان، ص ۶۰۹.

۸. غلامرضا نجاتی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، تهران، رسا، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۳۹.

۹. اطلاعات، س ۳۵، ش ۲۶۸، ۱۰/۶/۱۳۳۹، ص ۱.

۱۰. غلامرضا نجاتی، همان، ج ۱، ص ۱۴۰.

۱۱. اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، پرونده شماره ۱۶۶۰، سند شماره ۱۵۴۶۸۱-۱۵۴۶۶۷.

بنابریخ ۳۹/۴/۱۲

اعلامیه

نهضت مقاومت ملی ایران
در موضوع انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی

✽✽✽

بزرگترین خیانتها این است به مردمی که از تو و مقام تو راستگویی و صداقت انتظار دارند دروغ بگویی : حضرت محمد (ص)
هر چه در جهان دوستداشتنی و محبوب جلوه کند از شرافت محبوبتر و گرانبهارتر نخواهد بود از آن آسایش و آرامش چه حاصل که بقیمت از دست دادن آزادی و شرف بدست آید و از آن لذت و تمتع چه سود که لکه ننگ بندگی را به پیشانی شخص یا ملتی گذارد حضرت علی (ع)
آزادی یکی از مواهب الهی است و برای همیشه نمیتوان انسان اشرف مخلوقات خدا را از موهبت آن محروم داشت گاندی
همه رامیتوان برای مدتی فریب دادعه‌ای را میتوان برای همیشه گول زد ولی همه را برای همیشه ممکن نیست فریفت ابراهام لینکلن
هموطنان :

انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی آغاز میشود ولی در فقدان آزادی انتخابات حتی یک نفر از افراد مملکت تردید نمیکند چرا تردید کند وقتیکه آقای دکتر اقبال در آخرین جلسه مجلس شورای ملی به بهانه (لزوم جلوگیری از زد و خورد) یا به بهانه (خطر ناک بودن ورود عده‌ای به مجلس) صریحاً به سلب





آزادی عمومی در انتخابات اعتراف نمودند؛ به نظر خودشان محدود ساختن آزادی انتخابات یعنی محدود ساختن آزادی ملت را در استفاده از اولین و بزرگترین حق حیاتی و ملی و قانونی خود لازم شمردند

آقای دکتر اقبال گفتند انتخابات آزاد خواهد بود ولی بلافاصله اضافه نمودند که اجازه داده نخواهد شد عده‌ای در انتخابات شرکت کنند چرا فقط باین عنوان مبتدل و غیر موجه که اینها رفتار اندم کرده‌اند و نباید اجازه داد حتی حرف بزنند اساساً چه حق دارند حرف بزنند

آقای دکتر اقبال - گوستاولوبون میگوید - شخصی که به حکومت پرافکار خویش قادر نیست و نمیتواند بر نفس و اراده خود متکی باشد شایسته نیست حتی بر کوچکترین پله نردبان سیاست قدم بگذارد

متأسفانه شما علاوه بر سوابق قیام و اقدام بر علیه مشروطیت و قانون اساسی و مصالح ملی - در مقام سخنگویی هم نمیتوانید بر اعصاب و افکار خود حکومت کنید حتی بخودتان نیز دروغ گفته به وجدان و نفس خود هم خیانت میکنید نوری سعید و عدنان مندرس نیز میگفتند به مخالفین خود اجازه نمیدهیم حتی صحبت کنند مندرس میگفت به من هیچگاه نخست وزیر سابق اطلاق نخواهد شد ولی آقای دکتر اقبال مگر شما از سر نوشت آنان بیخبرید موضوع ازدو حال خارج نیست یا عده‌ای که شما بقول خودتان سعی میکنید آنان را به مجلس راه ندهید مورد توجه ملت نیستند یا مورد علاقه و محبت عده کم‌باز یا مردم قرار دارند در هر حال نمیتوان گفت که سلب حق فرزندان یا

بعد از برگزاری انتخابات فرمایشی، کرسی‌های نمایندگی بین دو حزب تقسیم شد. حزب ملیون با کسب ۱۰۴ کرسی اکثریت مجلس و حزب مردم ۲۵ کرسی از مجموع دویست کرسی را به دست آوردند.^۱ در حالی که اقبال در نطق‌های انتخاباتی خود به شرافتش سوگند یاد می‌کرد که نگذارد کسی در انتخابات تقلب کند،^۲ دولت او با مداخلات علنی در کار انتخابات و با تهدید و فشار و جعل و تقلب علنی مسیر آزادانه انتخابات را تغییر داد. در همه جا پلیس و ارتش و عوامل دولت، مداخله‌کننده اصلی در انتخابات بودند و در نقاطی نیز این مداخلات به برخورد و کشتار انجامید و در شهرهایی به تعطیلی بازار، کسب و کار و مراکز آموزشی انجامید. حتی در تهران نیز فقط داوطلبان حزب ملیون از صندوق بیرون آمدند.^۳ در اواخر مرداد ۱۳۳۹ منفردان خواستار ابطال آراء شدند و سیل تلگراف‌ها از شهرستان‌ها مبنی بر دخالت دولت در انتخابات به مرکز سرازیر شد. در ۳۰ مرداد دکتر کاسمی که گرداننده انتخابات در سطح کشور بود، به علت سوء جریانات انتخابات از کار برکنار شد.^۴ فضاحت انتخابات به حدی بود که شاه ناچار شد به نادرستی آن اعتراف کند. شاه که در ۱ مرداد ۱۳۳۹، در کنفرانس مطبوعاتی خود گفته بود: «آزادی انتخابات به حدی رسیده است که بعضی گذشته را فراموش کرده‌اند»،^۵ اکنون چون خود را در مظان اتهام می‌یافت، در مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه/اطلاعات در ۵ شهریور ۱۳۳۹ اعلام کرد: «من از این انتخابات راضی نیستم» و دستور متوقف کردن انتخابات را صادر کرد.^۶ در همین روز، اقبال از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد. شاه استعفای او را پذیرفت و جعفر شریف‌امامی وزیر صنایع و معادن را به سمت نخست‌وزیر تعیین کرد.^۷ متعاقب این جریانات، شاه انتخابات دوره بیستم را خدشه‌دار اعلام نمود و از نمایندگان منتخب خواست استعفا بکنند.^۸ کلیه نمایندگان منتخب دوره بیستم از رفتن به مجلس خودداری و استعفا کردند و مجلس به خودی خود ابطال شد.^۹ بدین ترتیب، تکلیف مجلس بیستم به انتخابات زمستانی موکول شد. اما دور دوم نیز

۱. رجال عصر پهلوی: دکتر امینی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۲۶.

۲. اطلاعات، س ۳۵، ش ۱۰۲۶۵، ۱۳۳۹/۵/۳، ص ۱.

۳. رجال عصر پهلوی: دکتر امینی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۶.

۴. باقر عاقلی، روز شمار تاریخ ایران: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، گفتار، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۱۱.

۵. اطلاعات، س ۳۵، ش ۱۰۲۶۴، ۱۳۳۹/۵/۱.

۶. همان، ش ۱۰۲۹۲، ۱۳۳۹/۶/۶.

۷. همان، ش ۱۰۲۹۳، ۱۳۳۹/۶/۷.

۸. باقر عاقلی، همان، ص ۱۱۳.

۹. جعفر مهدی‌نیا، زندگی سیاسی علی‌امینی، تهران، پانوس، ۱۳۶۸، ص ۲۸۴.



حاکمی از مداخله دولت و دربار در امر انتخابات بود. با آغاز انتخابات مجدد دوره بیستم در زمان شریف‌امامی، دانشگاه وضع ناآرامی به خود گرفت. روز ۱۳ بهمن دانشجویان دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به آزاد نبودن انتخابات، تظاهرات خیابانی برپا کردند. بازار تعطیل شد و در روز ۱۴ اسفند، دانشجویان اتومبیل دکتر اقبال وزیر دربار را آتش زدند. به رغم همه اعتراضات، انتخابات مجلس به روال گذشته انجام شد.^۱ با اعلام نتیجه انتخابات حزب ملیون ۴۵ درصد و حزب مردم ۳۵ درصد از دویست کرسی مجلس را نصیب خود کردند.^۲ مجلس بیستم در ۱۲ اسفند ۱۳۲۹ افتتاح شد اما به دلیل اعتصاب معلمان و سقوط کابینه شریف‌امامی که سبب روی کار آمدن علی‌امینی شد، شاه در ۱۹/۲/۱۳۴۰ فرمان انحلال دو مجلس سنا و شورای ملی را صادر نمود.^۳

مجلسین قانونگذاری ایران (شورا و سنا) از آغاز دهه چهل، هیچ‌گونه اختیارات واقعی نداشتند. دفتر اطلاعات و تحقیقات امریکا در سال ۱۳۴۴ در گزارشی در رابطه با نقش شاه در انتخاب نمایندگان آورده است: «شاه کنونی فقط شاه نیست، نمایندگان را برمی‌گزیند و در عین حال، تعیین آزادی عمل مخالفان در مجلس نیز به عهده اوست.»^۴



سخنرانی افتتاحیه محمدرضا پهلوی در اجلاسیه مشترک دوره چهارم مجلس سنا و دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی با حضور هیئت وزیران در محل مجلس سنا

۱. غلامرضا نجاتی، همان، ج ۱، ص ۱۷۰؛ باقر عاقلی، همان، ص ۱۱۸.
۲. غلامرضا نجاتی، همان.
۳. محمد مروار، همان، ص ۸۴.
۴. محمود شهرام‌نیا و مجید اسکندری، همان، ص ۷۹.

مجلس بیست و یکم پس از دو سال و چهار ماه فترت، در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۴۲ افتتاح شد.^۱ انتخابات در دوره نخست وزیری اسدالله علم انجام شد. در زمان نخست وزیری او، محمدرضا دستور داد کمیسیون سه نفره‌ای متشکل از علم، حسنعلی منصور و فردوست برای انتخابات نمایندگان مجلس تشکیل شود. کمیسیون در منزل علم تشکیل می‌شد. وی (علم) از میان اسامی افرادی که منصور ارایه می‌داد، هر که را می‌خواست تأیید می‌کرد و مابقی را دستور حذف می‌داد. منصور با جمله «اطاعت می‌شود»، حذف می‌کرد. سپس فردوست درباره صلاحیت سیاسی و امنیتی افراد اظهار نظر می‌کرد و لیست را برای استخراج سوابق به ساواک می‌داد. فقط افرادی که در این کمیسیون تصویب شده بودند سر از صندوق آراء در می‌آوردند. در تمام دوران قدرت علم وضع انتخابات مجلس همین بود و در زمان هویدا نیز حرف آخر را همیشه علم می‌زد.^۲

در این دوره، با توجه به تغییرات قابل توجه در قانون انتخابات (اصلاح قوانین انتخابات مصوب ۱۹ دی ۱۳۴۱ و قانون حق رأی به زنان) دولت علم می‌بایست شرایط لازم را برای حضور زنان در انتخابات، صدور کارت‌های الکتروال و حضور طبقات کشاورز و کارگر به جای طبقات اعیان و مالکین برای اجرا و برگزاری انتخابات مهیا می‌کرد.^۳ بر همین اساس بود که او در پاسخ به این سؤال که عده‌ای معتقدند انتخابات کنونی آزاد نیست، تقصیر را متوجه مالکان دانست که بر اثر اصلاحات ارضی منافع خود را در خطر دیده و بدین دلیل فعالیت شدیدی علیه انتخابات بیست و یکم به راه انداخته‌اند.^۴

انتخابات مجلس بیست و یکم، انتخابات نخستین‌ها بود. «برای نخستین بار در تاریخ ۵۸ ساله مشروطیت ایران»، اخذ آراء در سراسر کشور در یک روز انجام گرفت،^۵ زنان و مردان در کنار هم رأی دادند^۶ و انتخابات مجلسین سنا و شورا در یک روز برگزار شد.^۷ در پشت پرده این نخستین‌ها اما فرمایشی بودن انتخابات به شکلی برنامهریزی شده، حقیقتی انکارناپذیر بود. به گونه‌ای که طی نوزده دوره گذشته (منهای دوره بیستم که به علت فساد آشکار منحل شد) هیچ‌گاه نمایندگان، چون دوره بیست و یکم، کمی و کیفی دست‌چین شده و منصوب از

۱. زهرا شجیعی، همان، ج ۴، ص ۲۳۴.

۲. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳. محمد مروار، همان، ص ۱۴۷ و ۱۵۵.

۴. اطلاعات، س ۳۸، ش ۱۱۱۹۴، ۱۳۴۲/۶/۲۶، ص ۱۶.

۵. همان، ش ۱۱۱۹۱، ۱۳۴۲/۶/۲۳، ص ۱۵.

۶. همان، ۱۳۴۲/۶/۲۶، ش ۱۱۱۹۴.

۷. همان، ش ۱۱۱۹۳، ۱۳۴۲/۶/۲۵، ص ۱.





سوی شاه نبودند.^۱

سپهبد علی کیا در وصف فرمایشی بودن انتخابات مجلس بیست و یکم، و کلای آن را «وکیل صندوقی» اطلاق کرده و از این که او را وکیل صندوقی بنامند، دوری می‌جست.^۲ گازیوروسکی می‌نویسد: «پس از آن که در سپتامبر ۱۹۶۳ (شهریور ۱۳۴۲) انتخابات مجلس بیست و یکم به شدت زیر سلطه قرار گرفت، این مجلس دیگر چیزی جز یک مهر لاستیکی برای تأیید تصمیم‌های شاه نبود.»^۳

در این دوره، طبق برنامه مصوب امریکایی‌ها، شاه ناگزیر بود چهره مجلس را با حضور و کلای تازه عوض کند؛ همچنین می‌بایست مخلوطی از گروه‌های مختلف را عنوان نمایندگی بدهد که نخستین تجربه برای پیاده کردن اصول انقلاب سفید در تحولات آینده باشد.^۴ بنا به گفته استوارت را کول وزیر مختار امریکا، هسته اصلی سیاست‌های شاه، منصور و «کانون مترقی» او بود. شاه می‌خواست مجلس آینده را به کمک همین گروه و با ترکیبی از کاردانان و صاحبان صنعت و سرمایه تشکیل دهد.^۵

بر این اساس، در ۵ شهریور ۱۳۴۲ و در آستانه انتخابات مجلس ۲۱، در تهران کنگره‌ای تحت عنوان «آزادزان و آزادمردان» برگزار شد. این کنگره انتخاباتی متشکل از نمایندگان کشاورزان، کارگران و سایر طبقات مختلف اجتماعی در سراسر کشور بود و تا روز نهم شهریور ادامه یافت. در پایان آن لیست نمایندگانی که مورد تأیید مقامات امنیتی بودند در سراسر کشور منتشر شد.^۶ تنها سازمان متشکلی که تعداد قابل توجهی از اعضای خود را در لیست کاندیداها گنجانده بود «کانون مترقی» (به ریاست حسنعلی منصور) بود. این تشکیلات فقط در تهران فعالیت داشت، اما ۳۹ تن از اعضای این کانون از بین معرفی‌شدگان برای کاندیداتوری مجلس در سراسر ایران بودند.^۷

نتیجه انتخابات ایران برای نخستین بار در عرض یک روز اعلام شد. زنان برای اولین بار در انتخابات شرکت کردند و به مجلس راه یافتند. هر شش تن از بانوانی که توسط کنگره

۱. محمدعلی سفری، همان، ج ۲، ص ۵۴۱.

۲. حاجعلی کیا، *خاطرات سپهبد حاجعلی کیا*، حبیب لاجوردی (به کوشش)، تهران، زیبا، ۱۳۸۱، ص ۸۵.

۳. مارک گازیوروسکی، همان، ص ۳۲۹.

۴. محمدعلی سفری، همان، ج ۲، ص ۵۴۱.

۵. عباس میلانی، همان، ص ۱۹۴.

۶. حسین آبادیان، *دو دهه واپسین حکومت پهلوی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۲-۲۸۱.

۷. حسین آبادیان، همان، ص ۲۸۳.

معرفی شدند به پارلمان راه یافتند،^۱ که از بین آنها پنج تن عضو فراکسیون مترقی بودند و یک تن دیگر، نزهت نفیسی (همسر احمد نفیسی شهردار تهران و از کارگردانان اصلی انتخابات، انقلاب سفید و کنگره آزاد مردان و آزاد زنان بود) به صورت منفرد بود.^۲ اکثریت قریب به اتفاق کاندیداهای کنگره ملی انتخاب شدند.^۳ ۱۸۱ تن از مجموع نمایندگان از لیست قانون مترقی^۴ و ۱۲ نفر از کاندیداهای منفرد در شهرستان‌ها بودند.^۵ ۱۹۰۰ اعتبارنامه در جلسه ۲۳ مهر ۱۳۴۲، بدون گفت‌وگو تصویب شد و فقط یک اعتبارنامه مورد ایراد قرار گرفت.^۶

در جریان انتخابات مجلس ۲۱ قانون‌های مخالف قدرت، فعالیت‌های گسترده‌ای علیه انتخابات فرمایشی شاه انجام دادند. از آنجا که از زمان تأسیس ساواک همواره این سازمان نقش اصلی را در گزینش نهایی و کلای مجلس بر عهده داشت، جبهه ملی ضمن تحریم انتخابات، طی اعلامیه‌ای نوشت: «این مجلسی است از نمایندگان سازمان امنیت در سراسر کشور نه مجلس ملی. دست سازمان امنیت از حلقوم کارگر زن و کشاورزان باید کوتاه شود. و کلای مجلس باید نماینده مردم باشند نه منتخب سازمان امنیت.»^۷

این مجلسی است از نمایندگان سازمان امنیت در
سراسر کشور نه مجلس ملی
دست سازمان امنیت از حلقوم کارگران و کشاورزان
باید کوتاه شود
و کلای مجلس باید نماینده مردم باشند نه منتخب
سازمان امنیت

سازمان‌های جبهه ملی ایران

۱. همان، ص ۲۸۴.

۲. محمدعلی سفری، همان، ج ۲، ص ۵۴۲ و ۵۴۷.

۳. اطلاعات، ش ۱۱۱۹۵، ۲۷/۶/۱۳۴۲، ص ۱.

۴. حسین آبادیان، همان، ص ۲۸۴.

۵. اطلاعات، ش ۱۱۱۹۶، ۲۸/۶/۱۳۴۲، ص ۱.

۶. محمدعلی سفری، همان، ج ۲، ص ۵۴۲.

۷. اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، پرونده شماره ۵۲۳، سند شماره ۹۵۱۰۵.



نهضت آزادی نیز اعلام کرد به ندای آیت‌الله میلانی و آیت‌الله شریعتمداری پاسخ مثبت داده و برای گرفتن حق، از هم اکنون خود را برای یک مبارزه پیگیر با انتخابات قلابی آماده می‌سازد.^۱

انتخابات بااصطلاح مدردن و با کارت الکترونال در چه شرایطی

شروع میشود

هموطن!

پوش پاش که دستگاه دیکتاتوری آدمکشان مصر ما میخوانند با انصاف وکلای جان نثار و خانه زاد بر روی جنایات و خودسرهای خود پرده کشیده و مجلس فرمایشی تشکیل دهنده

دستگاه دیکتاتوری دم از شروع انتخابات مینزد در حالیکه ما همات وهران ملت وزه‌های روحانی و ملی و عدوی کبری از کاندیداهای مردم در زندانهای شاه، قصر، تزل، قلعه، شرت آباد، چمشید آبهاد و خانه‌های اسرار آمیز سازمان معروف بااصطلاح امنیت که با انواع وسائل شکنجه، در کوشه و کنار دهن با پول مردم فقیر این مملکت از طرف هیئت حاکمه مهیا گردیده بزنجیر کشیده شده اند **دستگاه دیکتاتوری** و عدوی انتخابات میدهد در حالیکه ملت در شرایطی است که کمترین وسیله برای نشر افکار خود نداشته و امکان معرفی کاندیدها برای او وجود ندارد حکومت نظامی و سازمان مخوف ساب امنیت چه دستگاههای انتظامی نفس در سینه ما خفه کرده و هرگونه فعالیت سیاسی را از طبقات مردم سلب نموده‌اند بطوریکه حتی اجتماعات خانوادگی و مجالس روضه خوانی ممنوع می باشد و برای نشر اعلامیه‌های مراجع ما لایق‌تر تقلید دهجا نفررا شکنجه می دهند و روانی - ارواها می‌کنند

هیئت حاکمهی خونخوار از ختم و غضب ملت غافل است و با فروردیه خیال خود پیروزی روی اجساد شهدای ۱۵ خرداد پایتکوبی می‌کند و در مقابل دیکتاتور دایمی در فتنای می نماید و عدوی زیادی از عوامتلمان مسلمان مارازنده زنده در گوداها مدفون می‌سازد و از طرف دیگر در یکی از هجومهای ناجوانمردانه خود (سرزل بااصطلاح انقلاب سفید می‌کند و از طرف دیگر در یکی از هجومهای ناجوانمردانه خود (سرزل باقر آباد) بیش از سیصد نفر از دهقانان غیور را که برای دفاع از حریم دین و آزادی کفن پوشیده بودند بر گیاره سلسل می‌بندند آری این جنایات برای هیئت حاکمه همین فروردیه ایجاد نبوده و می‌خواهند

مجلس تشکیلی از پس آن تشکیل دهند که در آن کوچکترین انزاعی با این وقایع در دکان نبود می‌خواهند با زندان بردن عدوی کثیری از افراد با شرف و باجس کشور ما و با ایجاد ارباب و اختناق عمومی را برآورد برای فرستادن عدوی از توکران شاه به مجلس عوارسانند و بدینوسیله ظاهر حکومت را برآوردند تا خود و هرگزیم پارلمانن زنگین ما پند تا از این راه سرپوشی بر جنایتهای خود بکنند و جنایاتی را که مرتکب شده اند پندیدند **کونی** بهان دهند و بدنیال آن ام‌مکیرند و نه‌اند بپارند حکومت دیکتاتوری می‌کوشد تا ندای حق طلبانه مردم ایران **پوش** مردم جهان نرسد و حتی از سراسر این هم که با ایران می‌آیند وحشت دارد و با زمینه سازیهای قبلی از کوچکترین تماس مردم با آنها جلوگیری می‌کند **این جنایتکاران حرفه‌ای باید بدانند** که ملت ایران زیر بار تسلط غلامان و مزدوران خارجی چوناینان نوردند دیگر پرده‌ها پرده شده و دنیا بنویسند برای این پرده‌ها را دید فمی دانند که مردم ایران هرروز معصم تر و متشکل تر برای برانداختن بساط دیکتاتوری می‌کوشند

زندانیان قبول میکنند شکنجه می‌بینند پس پندر می‌شوند و برادر از دست می‌دهند ولی دست از مبارزه علیه دیکتاتورها برنمیدارند . این راه ملت است و با این ایده پیش میرود . ما بنادای حضرت آیت‌الله میلانی و حضرت آیت‌الله شریعتمداری پاسخ مثبت میدیم و برای گرفتن حق از هم اکنون خود را برای یک مبارزه پیگیر با انتخابات قلابی آماده می‌سازیم تا از تمام امکانات برای پیروزی حق و رسوا کردن دشمنان ملت استفاده می‌نمایم

۱۳۴۳ ر ۵ ر ۹

نهضت آزادی ایران

جامعه آموزگاران تهران نیز در خصوص انتخابات مجلس ۲۱ اعلام کرد با توجه به این که مجلس بیست و یکم یکی از ننگین ترین انتخابات تاریخی این کشور است لذا بر هر فرد با شرفی لازم است که به پیروی از مراجع تقلید اظهار تنفر و انزجار خود را از عملیات این دولت یاغی و ضد دین بنماید.^۱

متن اعلامیه جامعه آموزگاران تهران وخومه

هموطنان عزیز :

با توجه باینکه انتخابات دوره بیست و یکم یکی از ننگین ترین انتخابات تاریخی این کشور است لذا بر هر فرد با شرفی لازم است که پیروی از مراجع عالیقدر تقلید اظهار تنفر و انزجار خود را از عملیات این دولت یاغی و ضد دین بنماید ما آموزگاران تهران وخومه توجه عموم را به مفهوم آزادی انتخابات جلب میکنیم .

- ۱- حکومت جبار برخلاف قانون اساسی سلب آزادی اتمام افراد و شخصیت های برجسته این مملکت نموده اند زندانها پر است از روحانیون و اساتید دانشگاه و طبقات مختلفه مردم **حضرت آیت اله العظمی آقای خمینی مرجع عالیقدر شیعه و حضرات آیه اله قمی و آقای محلاتی** در زندانهای خموسی بسر میبرند اعتناق بحدیثیست که حتی مراجع عالیقدر تقلید که ممنوعیت قانونی دارند منازلشان دمه حاسره پلیس و از داخل و خارج بوسیله مأموران سازمان امنیت کنترل میشوند
- ۲- مجبور کردن دولت کارمندان را باخذ کارت الکتروال با توقیف حقوق
- ۳- وادار کردن کارگران بگرفتن کارت الکتروال و رای دادن در صورت نگر فتن و همکاری نکردن تهدید باخراج و ملامتی شدن زندگی
- ۴- گرفتن کارتهای سفید از دست کارمندان و کارگران کارخانجات دولتی بدون تعیین کاندیدا یا در نظر گرفتن مطالب فوق مسلماً انتخابات فعلی اثناسباتی بیش نیست (بهتر این بود که دولت و کلای خود را بدون بدون تشریفات بوسیله جرائد بمجلس میفرستاد) اینست معنی حکومت قانون و انتخابات آزاد در ایران .

اینست پیروی کردن زعمای مملکت از قانون اساسی .
 عجباً مشروطیتی که با خون هزاران فرد این مملکت بوجود آمده سرانجام ملعبه مفتی عمال خارجی و سرسپردگان سهویسم جهانی ترار گرفته است اینست معنی مسلمانی دولت که در اغلب سخن دانیها بان افتخار نموده است و این است مقصود از تقرب بخدا و دیدن اولیاء اله .

جامعه آموزگاران تهران

۰۰۰۹۵۱۶۲

۱. همان، پرونده شماره ۵۲۳، سند شماره ۹۵۱۶۲.



اما مخالفت گسترده‌تر از سوی علما و روحانیون بود. امام خمینی (ره) در ۱۱ مرداد ۱۳۴۲ اعلام کردند: «باید جلوی این انتخابات مفتضح را گرفت.»^۱ آیات عظام میلانی، سید کاظم شریعتمداری و شهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی در پاسخ به استفتائات مردم اعلام کردند شرکت در انتخابات شرعاً و عقلاً جایز نیست.^۲ آیت‌الله سید ابوالقاسم خوبی در پاسخ به استفتاء مردم اعلام کرد: «در صورت مفروضه شرکت در انتخابات یکی از افراد، ظاهره کمکی است که تحریم شده است و با وضع فعلی چنانچه مجلس تشکیل شود از نظر شرع و قانون اساسی نیز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.»^۳

معن خیرال و نظره - حشرات آب‌حطام ایت‌الله میلانی «غیرالقضای» یعنی مردمی دریا، نه انتخابات مجلس دوره ۲۱
حضرت بزرگوار حضرت آیت‌الله العظمی آقای میلانی و حضرت آیت‌الله العظمی آیت‌الله العظمی آقا و سرمدی می‌فرمایند
دو این بین جنگ است و بی‌شکلی است انتخابات دوره ۲۱ را فراهم نموده با توجه به شکات زیر
۱ - از ادای تقوی و ایمان و نظام و تشکیل ایجابات پهلوی یکدیگر چه جای دینا معمور است و از نظر عقل اولیه انتخابات آرایع باید.
چنانچه هر چه که در این است ملت ما را از تمام این حزا با هم در یکپارگی و بسا نرسیده بدین صدمه جا شکست است.
۲ - انتخابات با عی موده قبول ملت است که کاملاً بر طبق قانون اساسی و دستور آن انجام پذیرد با توجه به اصل ۷۷ مصمم تا قانون اساسی -
(قانون جدید انتخابات هنوز قانع نیست پیدا نگردند و انتخابات کما قبی آن انجام شود و نیز: ملت باطل است) ماده ۲۴ و
۲۵ قانون انتخابات حرات در گذار « با بصیرت و بسا نرسیده بدین صدمه جا شکست است » کبریا بر اغرای دادیم و بیهوشیم
بجوار او ره اما وضعا ره کارت را بر مبنه میناهدند این حالتی با اصل محفی برون آرا « است و تا لای فاعلان معلوم است -
« صدورکتاب با بدعت نظران نظم نظامی باشد که از طریق ملبت باشد تا از طریق ما سیرین آما ریما مورین مستحب دولت که نشست
نذارند و تعداد کارهای الکترال معلوم نیست و احتمال هرگونه تقلب در آن امکان دارد -
با توجه به نکات فوق آیا مردم امتحان را از آنها زعفرکت در چنین انتخابات با عی می‌دهند یا غیره « بصند است نظریا ره کار مردم فرما قیده
جواب بکن
(((با صفا - هدای از امام علی اعفیان)))
بسم الله الرحمن الرحيم
دیروز بید حاضر که بر ای مردم مسلمان هیچگونه آراهی در میان و تمام تهیه و مرتبه انجمن عی جزا و طریق و آبشکن بدولت مشوغ
مبیا دهد یا توبه یا بیکه بسا زی و ازین از ماطع ملت جمعی جنگوی و عدالتی در زندان بسو بیست و یکما نهم کما بی زندا تند
کترین آراهی داد نه نموده و بسا نفیولینا ریل طما بی بزرگت شومریه و بیم مسلمانی از غیرت - مرا جو کس تکلیف سمر بند
و تا توبه بسا برنگانی که در عین سوال مذکوره ده بدین این است که هرگز شرکت در چنین انتخابات با عی غرأ و تقلب با فز توبه
و اخراج مخالفان و تطبیق میداده و اللیولی العزیزین (((۳۰ جلد ۱۴۸۶ محمد باقر الحسینی العزیزین)))
جواب بدم - بشخصه عظمی
با چنین غرا بید ویا توبه پهلوان فعلی و هم آراهی مؤمنین و بدراجا عادت دینی و جد در تمام در میان بسا بر صفا توبه مذکوره مطوبه
ه زمین شوق مداخله و بسا رت در عین انتخابات با عی جزا فز نمیشود عدرا بده ناحت کفر الهی بسویله حضرت ولی عصر عی
لله العالی با صدق و ساد نموده فن سلعین زاستقلال می‌نمایم و السلام علی من اتبع الهدی
جواب بسیر - بسم الله الرحمن الرحيم
نگاه حقوقی و عی بسا برهم و در عین حال بدین و سلکت مفید با تعاف آراهی داد و با تعاف صحیح است لذا لایم است که
مسلمانا تها عی و اقوام کنند و بر بید انتخابات آراهی در وضع ایضا « از اولیا « امور حصول و فراهم تما بدو اگر توافق نتوانند
و انتخابات بیکل غرا آراهی دنیا بدین حرکت کنند و بر حرکت سوز و بر آراهی در دنیا بدهند آراهی
الاجرسید کاظمی حضرتیار
نظریا بیکه مردم ایران عی از انتخابات اخفا « ویرالات دینی از مراجع عالیقدر تطبیق آراهی بخندند و بیکه بسا بران واقع
میسرند لذا از انتخاباتام و اضافی و خیرال کنندگان عیود بی عیود

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۵۳.
۲. اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، پرونده شماره ۱۶۱۸، سند شماره ۱۴۹۱۷۰؛ پرونده شماره ۵۲۳، سند شماره ۹۵۱۳۹.
۳. همان، پرونده شماره ۵۲۳، سند شماره ۹۵۱۷۸.

در حضور شریک حضرت حجة الاسلام والمسلمین آیت الله العظمی سید کاظم
 شریعتمدار از منع الله المسلمین بطریق بقائه

در این هنگام که دولت مقتدره انتخابات دوره بیست و یکم را فراهم نموده با توجه بکتابتیر
 ۱- آزادی نطق و بیان و ... و تایل اجتماعات بطوریکه در همه جای دنیا معمول است از
 شرایط اولیه انتخابات آزاد باشد، نامه کتب واضح است ملت ما را از تمام این مزایا محروم و
 خفقان و سانسور شده، در همه جا حکمفرما است و محدودیت علما و عظام و پیشوایان مذهبی و زندانی
 بودن رجال و طبقات ملت هنوز باقی است و مجالس تبلیغات دینی حتی مجالس در خانها هم
 ممنوع شده است.

۲- انتخاباتی مورد قبول ملت است، کاملاً بر طبق قانون اساسی و متمم آن انجام شود تا آنجا که باصل
 بیست و هفت متمم قانون اساسی (قانون جدید انتخابات هنوز قانونیت پیدا نکرده و انتخاباتی که مطابق
 آن انجام شود از طرف ملت باطل است) ماده ۲۵ و ۲۳ قانون انتخابات صراحت دارد که آراء باید
 سفید زنی نشان باشد و در صورتیکه ورقههایی که برای اخذ رأی داده میشود محصور بهمراة اداره آمار
 و شماره کارت رأی دهنده میباشد و این مخالف باصل محمی بودن آراء است و تالی فاسد آن معلوم است.
 ۳- حدود کارت باید تحت نظرا من نظارتی باشد که از طرف ملت باشد نه از طرف مأمورین
 آمار و مأمورین منتخب دولت که صحبت ندارند و تعداد کارتهای الکترا ل معلوم نیست و احتمال
 هرگونه تقلب در آن امکان دارد.

شرکت در چنین انتخابات از نظر شرم چه صورتی دارد خواهش نداست برای روشن شدن تکلیف
 قاطبه مسلمانان نظر مبارک را مرقوم مائید.

بسمه تعالی

سؤالات زیادی که از مردم و مشایخ اطراف مملکت راجع باین مع شده بمشوه حکایت از
 نگرانی شدید اهل مملکت و مردم مسلمانان مینماید البته حق در اینست زیرا مصالح
 اسلام و مصالح مملکت و ملت بسته باین انتخابات آزاد نبودن بیان و قلم حتی نسبت
 شده است بالخصوص تطیل مجالس دینی و ممنوع شدن گان متعاً و عقلاً جایز نیست
 بر اجمع دینی شرکت در انتخابات با احتشاقاً موجود سید کاظم شریعتمدار
 الاحقر الابرار ۲۸۳
 آیت الله المشکی

۰۰۰۹۵۱۳۹



حضور مبارك حضرت آية الله العظمى آقاى حاج سيد ابوالقاسم خوئى
ادام الله ظله على رؤس المسلمين
بعرض مبارك على ميرساند مستدعى است با عطف توجه بحكم مورخ
چهاردهم محرم الحرام ۱۳۸۳ آنحضرت مبنی بر حرمت هر گونه كمك بحكومت
فعلى نظر مبارك خود را در باره انتخابات مجلس شورای ملی ایران
با اختناق واستبداد زائدا الوصف موجود اعلام فرمائيد تا ملت مسلمان ایران
تكليف شرعى خود را در این موضوع بدانند
جماعتی از مؤمنین

بسمه تعالى شأنه

در صورت مفروضه شرکت در انتخابات یکی از افراد ظاهره کمکی است که
تحریم شده است و با وضع فعلی چنانچه مجلس تشکیل شود از نظر شرع و
قانون اساسی نیز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود والله العالم
۸ ربیع الثانی ۱۳۸۳
ابوالقاسم الموسوی الخوئی
محل مهر

۰۰۰۹۵۱۷۸



آیت‌الله العظمی شیرازی شرکت در انتخابات را «در حکم محاربه با صاحب شرع مقدس حضرت ولی عصر (عج)» اعلام کرد^۱ و آیت‌الله محمدصادق حسینی روحانی ضمن صدور اعلامیه‌ای به روشنگری درباره انتخابات فرمایشی مجلس ۲۱ و تحریم آن پرداخت و نوشت: «هیئت حاکمه خیمه‌شب‌بازی انتخابات آزاد را با کارگردانی سازمان امنیت نمایش می‌دهد، کارمندان ادارات و کارگران کارخانجات و مؤسسات دولتی با تهدید و ارباب و گرو کشیدن حقوق و مزایا مجبورند برای خود و خانواده خود کارت الکترا ل گرفته و در اختیار مقامات دولتی بگذارند. حتی کارگران کارخانجات و مؤسسات خصوصی و کارمندان شرکت‌ها و بنگاه‌ها و فروشگاه‌های آزاد از زیر فشار عوامل وابسته به دولت رؤسای سندیکاها و نمایندگان قلابی اصناف در صورت نگر فتن کارت الکترا ل و همکاری نکردن با دولتیان تهدید به اخراج و متلاشی شدن زندگی می‌شوند... این انتخابات نیست، این تجاوز به مشروطیت است، تجاوز به قوانین اساسی است، تجاوز به مقررات اسلام است. فلذا علمای اعلام هر گونه شرکت و همکاری را تحریم می‌کنند»^۲



۱. محمدعلی سفری، همان، ج ۲، ص ۵۴۰.

۲. اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، پرونده شماره ۵۲۳، سند شماره ۹۵۱۵۰.

نتیجه آن که آگاهان در فرمایشی بودن این انتخابات تردیدی به خود راه ندادند. امام خمینی (ره) در سخنانی روشنگرانه فرمودند: «این مجلس ارتباطی به ملت ندارد و مجلس سرنیزه است. ملت ایران و علمای طراز اول و مراجع تقلید این انتخابات را تحریم کردند، لکن زور سرنیزه اینها را بر کرسی نشاند.»^۱

در آذر ۱۳۴۲ حزب ایران نوین از داخل کانون مترقی بیرون آمد.^۲ این حزب در ۲۴ آذر ۱۳۴۲ تأسیس و جایگزین حزب ملیون شد که بعد از اقبال و انتخابات دوره بیستم از رونق افتاده بود.^۳ انتخابات مجالس بیست و دوم و بیست و سوم به شیوه روزافزونی از اعتبار و محتوی تهی و ابزار حزب تازه تأسیس «ایران نوین» شدند. حزب ایران نوین به سرعت به صورت پاره‌ای از دستگاه حکومت در آمد و از ساواک و دفتر نخست‌وزیری کمک‌های مالی دریافت می‌کرد و بسیاری از وظایفی را که پیش‌تر سازمان‌های حکومتی انجام می‌دادند، به سرعت به عهده گرفت.^۴ حزب مردم با همان تشکیلات، باید نقش مقابل را با این حزب جدید بازی می‌کرد.^۵

اسناد موجود نشان می‌دهد که چگونه گردانندگان حزب ایران نوین، افراد و به ویژه کارمندان و کارگران را وادار به شرکت در انتخابات می‌کردند. از جمله سندی از ساواک که اشاره می‌کند اکثریت کارمندان وزارت کار مأموریت یافتند به کارخانجات و کارگاه‌های کوچک و بزرگ مراجعه و آنها را مجبور کنند کارت الکترا ل دریافت و به وزارت کار تسلیم نمایند یا آن که شناسنامه‌های آنها اخذ شود تا از روی آنها کارت صادر شود.^۶ در عین حال، همین اسناد به بی‌میلی افراد برای شرکت در انتخابات فرمایشی اذعان می‌کند. گزارشی از ساواک حاکی از آن است که در بازار تهران نسبت به انتخابات بیست و دوم حالت بی‌اعتنایی توأم با تمسخر مشاهده می‌شود.^۷

انتخابات مجلس بیست و دوم در دوره نخست‌وزیری امیرعباس هویدا انجام شد. در این

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۱۷.

۲. فاطمه صفوی، زنان و حزب ایران نوین، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۲۱، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶.

۳. محمدعلی سفری، همان، ج ۲، ص ۵۴۸.

۴. مارک گازیوروسکی، همان، ص ۳۳۱.

۵. محمدعلی سفری، همان، ج ۲، ص ۵۴۸.

۶. حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ج ۲، ۱۳۸۲، ص ۳۰۸.

۷. همان، ص ۳۱۰.





دوره، با افزایش نوزده نماینده، تعداد نمایندگان به ۲۰۹ نفر رسید.^۱ ۱۳ مرداد ۱۳۴۶ انتخابات برگزار شد^۲ و نمایندگان سه مجلس سنا، شورای ملی و مؤسسان در یک روز انتخاب شدند. همان گونه که همگان پیش بینی می کردند «کاندیداهای حزب ایران نوین توانستند اکثریت قاطع پارلمان را به دست آورند»؛^۳ این حزب که در عین حال از هیچ گونه مشروعیت همگانی برخوردار نبود،^۴ ۱۸۰ نماینده در شورا و ۲۳ نماینده در سنا داشت، در حالی که حزب مردم که همچنان نقش حزب رقیب را بازی می کرد، چهار نماینده در سنا و ۲۹ نماینده در شورا داشت. حزب پان ایرانیست نیز پنج نماینده در شورا داشت.^۵

۲۹ نماینده حزب مردم همگی از شهرستان‌های کوچک انتخاب شدند. به نوشته مطبوعات در اکثر حوزه‌های انتخاباتی تکلیف انتخابات قبلاً معلوم شده بود.^۶ اطلاعات می نویسد: «اکثر حوزه‌های اخذ رأی در تهران، خلوت بود و آخرین آمار حاکی از آن بود که در بعضی شعب اخذ رأی ۲۰۰، ۳۰۰ رأی بیشتر گرفته نشد.»^۷ با این حال از طرف بعضی از افراد صاحب نفوذ گروه‌های متشکل و کارگران و کارمندان دسته‌دسته با اتوبوس یا کامیون جهت ریختن آراء سر صندوق‌ها آورده می شدند.^۸ اسناد مربوط به تقلبات انتخاباتی در این دوره فراوان است. به طور مثال سندی از این تقلبات توسط گردانندگان حزب ایران نوین حاکی است هفتاد نفر از کارمندان شرکت اتوبوسرانی از تاریخ ۱۳۴۶/۴/۲۵ در زیرزمین ساختمان ناحیه یک اتوبوسرانی مأمور نوشتن کارت‌های الکتروال و ورقه‌های سفید انتخاباتی بودند تا توسط کارکنان شرکت به صندوق آراء تحویل گردد.^۹

شاه همچنان به سیاست ایجاد مجلسی فرمایشی و تماماً دست‌چین شده به منظور اجرای طرح‌های اصلاحی خود ادامه داد. این موضوع در ترکیب چهره جدید مجلس نیز نمایان بود. ۹۵ نفر از نمایندگان مجلس ۲۲، چهره‌های جدید بودند و به جای عده‌ای از مهندسان کشاورزی که به مناسبت خدمات خود در اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی به مجلس راه

۱. محمد قبادی، «نقش حزب ایران نوین در انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورای ملی»، مطالعات تاریخی، ش ۳، ۱۳۸۳، ص ۲۲۴.

۲. اطلاعات، س ۴۲، ش ۱۲۳۴۷، ۱۳۴۶/۵/۱۲.

۳. همان، ش ۱۲۳۴۸، ۱۳۴۶/۵/۱۴.

۴. مارک گازیوروسکی، همان، ص ۳۳۱.

۵. اطلاعات، ش ۱۲۳۴۹، ۱۳۴۶/۵/۱۵.

۶. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۷۸۵.

۷. اطلاعات، ش ۱۲۳۴۸، ۱۳۴۶/۵/۱۴، ص ۱۳.

۸. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۷۸۵.

۹. حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۳۱۹.



یافته بودند، عده‌ای از کارگردانان و رؤسای شرکت‌های تعاونی روستایی جای آنها را گرفتند.^۱ جالب آن که شاه در همان سخنرانی افتتاحیه مجلس در ۱۴ مهر ۱۳۴۶، ضمن صحبت درباره سه اصل جدید انقلاب سفید، اعلام کرد تصمیم به ایجاد واحدهای سهامی زراعی به منظور تشکیل شرکت‌های زراعی بزرگ دارد که بتوانند مزارع کوچک حاصل از اصلاحات ارضی را به صورت مکانیزه اداره کنند.^۲

بیست و دومین دوره قانون‌گذاری در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۰ به مناسبت برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله به موجب فرمان شاه منحل شد و در همان روز بیست و سومین مجلس شورای ملی به وسیله شاه گشایش یافت.^۳

در این برهه، اعضای خاندان سلطنتی بیش از هر زمانی در امور کشور دخالت می‌کردند و آن گونه که دکتر شاهکار نماینده مجلس شورای ملی و عضو کمیته مرکزی ملیون اذعان می‌کند نقش عمده فعالیت‌های سیاسی کشور توسط اشرف پهلوی انجام می‌شد. بنا به گفته وی در انتخابات مجلس آینده بسیاری از نمایندگان با نظر اشرف و به منظور تسلط بر اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور فعالیت خود را شروع کردند.^۴

۱. اطلاعات، ش ۱۲۳۴۹، ۱۵/۵/۱۳۴۶، ص ۱۱۳.

۲. یونس مروراید، همان، ج ۳، ص ۷۹۵.

۳. همان، ص ۷۸۶.

۴. اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، پرونده شماره ۴۴۱، سند شماره ۴۹۶۷۴.



گزارش اطلاعات داخلی

روزنامه‌های انقلاب اسلامی ایران

شماره ۳-۳-۹۵۱

موضوع: درباره‌ها عثاشعی

تاریخ حادثه: ۲۷/۳/۱۸

محل: تبران

تاریخ وصول خبر: ۲۷/۳/۱۹

عطف بشماره

تاریخ گزارش: ۲۷/۳/۱۹

منبع خبر: ماوروسره

مستقبلی مستقرها

تقویم: ۲-ب

د کترشا عثا کرمانا بندا مجلس شورایی و عثو کمیته مرکزی حزب ملیون د رجلسات خصوصی ضمن بحث د ربارا
مذالب مختلف اجتماعی اظهار داشتند رجال حاضر اعضا خاندان جلیل سلطنتی بیش از هر
وزمانی در امر ملی کشور حالت میکنند و نقش عمده فعالیت های سیاسی کشور نیز مانند سالهای قبل از
۱۳۲۹ توسط والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی انجام میشود و کارگردانان سیاست کشور هم عموما
از ایشان کسب دستور مینمایند .

د کترشا عثا گفته خالت والا حضرت اشرف د رکارهای عمومی و سیاسی کشور ربطی بود که حتی اغلب
عما بیرونی بمعظم لها تدر فرموده بودند زیاد د رکارها مدغم نمکنند ولی والا حضرت شاهدخت پاسخی
دادند ما عثاشاه سلطنت خود را مدتی چون فعاليتها ایشان مینمایند تا اگر کار و فعالیت وی نبود
کسی نمیتوانست اشاع سیاسی امروز ایران را پیش بپوشد .

د کتر اشکار میگفت اینها بینه میگویند انتخابات د ورمانند مجلس حزبی خواهند بود معتمد عقیده وی د ر انتخابات
د ورمانند مجلس شورایی بسیاری زمانه گان با نظر والا حضرت اشرف انتخاب خواهند کردید و با توجه
اینها بر اوزم اکنون کلیه دستان سابق والا حضرت اشرف فعالیت شدیدی را بمنظور تسلط بر اوضاع سیاسی
و اجتماعی کشور آغاز کرده اند و د ر آیند نیز والا حضرت د ر آمدن و رفتن د ولت‌ها بی تاثیر نخواهند بود .

د کترشا عثا میگفت چندی قبل با اینک والا حضرت اشرف پهلوی با مخالف بوده معتمد آرزویکه یک کمپانی
فرانسوی د ر کارتجارتی خود د ر ایران دعوا کسی داشت و با والا حضرت نیز مربوط بود از ایشان د رخواست
میکند بکنفر وکیل مبرز که بدرد وکالت آنان بخورد و بزبان فرانسه نیز آشنائی کامل داشته شد با آنها معرفی نمایند
والا حضرت هم پاسن دادند شخصی را میشناسند که از او خوششان نمیآید ولی وکیل مورد اعتمادی است و با
مراجعه کنند و نمایندگان کمپانی مذکور هم بوی مراجعه کرد و با او هم وکالت آنها را قبول نموده و حاکم شد و مبلغ
قابل توجهی بوی حق الوکاله دادند و وقتی پرسید چه کسی او را معرفی کرده گفته اند والا حضرت اشرف -
د کترشا عثا میگفت از آن روز نسبت بوالا حضرت اشرف پهلوی عقیده پیدا کرده هم برید او شده زیرا فهمید که
والا حضرت اختلاف شخصی را در جانشینان فایده آور خواهد خود د ر کار د خالت نمیدهند .

۱۶۱

مستقبلی مستقرها

نظریه: ۰۰۰۴۹۶۷۵

در انتخابات دوره بیست و سوم، سیستم حزبی به طور کامل قدرت خود را در صحنه انتخابات نمایان ساخت و احزاب دولتی مردم و ایران نوین با وجود قدرت نابرابر، اجرای انتخابات را به عهده گرفتند. مبارزه انتخاباتی در غیاب چشمگیر یک حزب مخالف و به صورت امری یک‌جانبه و نمایش یک‌نفره انجام گرفت.^۱ فعالیت انتخاباتی حزب مردم تنها به شهرستان‌ها آن هم نه در مراکز استان‌ها که حزب اکثریت برای انتخاب نامزدهای خود پافشاری می‌کرد، دنبال شد.^۲ نمونه‌ای از تقلب و هم‌دستی دو حزب دولتی را در گزارشی از اعتراض یکی از کاندیداهای نمایندگی مجلس می‌توان مشاهده کرد. این شخص می‌گوید که در حوزه انتخابی وی، حزب ایران نوین و حزب مردم بر سر انتخاب نماینده کرمان و شازند معامله نمودند و قرار بر این شد که کاندیدای مجلس شورا را حزب مردم از کرمان و حزب ایران نوین از شازند از صندوق استخراج نمایند. به همین سبب با این که هیچ‌یک از اهالی شازند نماینده منتخب را نمی‌شناختند، این فرد انتخاب گردید.^۳



۱. یونس مروارید، همان، ج ۳، ص ۸۴۱.

۲. اطلاعات، س ۴۶، ش ۱۳۵۲۷، ۴/۳، ۱۳۵۰، ص ۲۱.

۳. اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، پرونده شماره ۵۳۲، سند شماره ۱۰۶۹۵۲.



خیلی محرمانه

طبقه بندی حفاظتی

گزارش خبر

درجه فوریت

- ۱ - نسخه شماره از نسخه
- ۲ - از ۳۱۳
- ۳ - شماره گزارش ۶۱۳۴۸
- ۴ - تاریخ گزارش ۵۰/۵/۷
- ۵ - پیوست
- ۶ - گردگان خبر ۳۴۱
- ۷ - منبع ۱۱۷۵
- ۸ - منشأ عزیزسلطانی
- ۹ - تاریخ وقوع ۵۰/۵/۴
- ۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع
- ۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبر عملیات محلی ۵۰/۵/۷
- ۱۲ - ملاحظات حفاظتی

موضوع اظهارات محمد حسین عزیزسلطانی کاندیدای نمایندگی دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی از حزب مردم

ساعت ۱۲:۳۰ روز ۴/۵/۵۰ آقای محمد حسین عزیزسلطانی ضمن تنقید از وضع انتخابات اظهار داشت جهان انتخابات از این قرار بود که حزب ایران نوین و حزب مردم بر سر انتخاب نماینده کرمان و شازند در مجلس شورای ملی معامله ای نمود مقرر بر این شد که ده بود که کاندیدای نمایندگی مجلس شورای ملی را از کرمان از صندوق خارج و کاندیدای نمایندگی شازند را حزب ایران نوین استخراج نمایند و همین سبب با اینکه هیچکس از اهالی شازند عبدالله بیگری را پیشناختند انتخاب گردید - محمد حسین عزیزسلطانی اضافه نمود در این باره عریضه ای بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریام تقدیم و در آن نوشته ام آقای عباس هوید باعث تنگ برای ملت ایران میباشد و ت نظریه شنیه بنظر نمیرسد آقای عزیزسلطانی چنین جراتی داشته باشد که در مورد نخست وزیر چنین هتاک کرده باشد.

نظریه یکشنیه محمد حسین عزیزسلطانی بعید نیست بعلمت اینکه در انتخابات شکست خورد و بخاطر حفظ حیثیت خود اظهارات مذکور را مخبر فوق را نمود میباشد و یکتا

تقریباً ۳۲ نفر کتب، ۵۰۰ نفری هم نظر میدهند
 ۱۳۰۰
 ۱۳۱۱۵۶
 ۵/۱۹
 ۶۶-۱۳۰

دارای
 برای رسیدن به اولاد
 ۳۱۲
 ۵۰
 خیلی محرمانه
 طبقه بندی حفاظتی

از سوی دیگر، دولت روزنامه خاک و خون ارگان حزب پان‌ایرانیست را بست و شرایط یک مبارزه انتخاباتی آزاد را بیش از پیش محدود کرد.^۱ محسن پز شکپور رهبر پان‌ایرانیست‌ها طی مصاحبه‌ای گفت حتی در شرایط متساوی هم ما قادر بودیم بر کاندیداهای حزب اکثریت پیروز شویم ولی دولت در انتخابات تعصب حزبی به خرج می‌دهد.^۲ بنا به چنین شرایطی، این حزب اعلام کرد به علت تجاوز دولت کنونی و توقیف غیرقانونی روزنامه خاک و خون و دخالت مستقیم دولت و حزب ایران نوین در انتخابات، با داشتن پیروزی در هفتاد حوزه، از شرکت در انتخابات خودداری می‌کند.^۳

سری

جبهه باصطلاح طن سابق و احزاب وابسته آن، جامعه سوسیالیستها، جمعیت باصطلاح نهفت‌آزادی، حزب زحمتکشان ملت ایران، حزب پان‌ایرانیست و حزب ایرانیان و احزاب و دستجات افراطی مذ هبسی

ماده ۱

الف - اعضا - جبهه باصطلاح طن ایران و احزاب وابسته آن و جامعه سوسیالیستها جلسات نامرتب خود را تشکیل و به بحث و گفتگو پیرامون مسائل مختلف پرداخته‌اند و همچنین به‌مناسبت درگذشت عبدالله معظی یکی از سران جبهه منور رجالیس ترجمه وی شرکت نموده‌اند.

ب - اعضا - جمعیت باصطلاح نهفت‌آزادی با شرکت در جلسات بحث و تفسیر هفتگی مسجد هدایت و ملاقاتهای انفرادی با یکدیگر فعالیت‌های را به ترتیب دنبال نموده و سپید محمود خاکی طالبانی عضو مؤسس جمعیت منور ملت تحریک افکار عمومی و فعالیت در جهت وادار نمودن مردم به شورش و ولوا طبق‌رای کمیسیون امنیت اجتماعی تهران به سه سال اقامت اجباری در شهرستان زابل - استان سیستان و بلوچستان محکوم گردیده است.

تلاش و بهگیری برای دستگیری بنایای سازمان آزاد بیختر ایران وابسته جمعیت مذکور همچنان ادامه دارد و پرونده اتهامی ۱۳ تن از افراد دستگیر شده این سازمان که تکمیل گردیده بود جهت هرگونه اقدام قانونی با اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی احاله گردیده است.

روز ۱/۲۱/۵۰ - حدود ۱۸۵۰ نفر اعلامیه بصورت پلی‌کپی که مفاد آن بشرح خلاصه / ...

سری

۱. اطلاعات، س ۴۶، ش ۱۳۵۲۷، ۳/۴/۱۳۵۰، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۵.

۳. اسناد بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، پرونده شماره ۱۵۶۳، سند شماره ۱۳۸۵۳۸-۱۳۸۵۳۴.





سری

خلاصه زیر میباشد و سبله پست داخلی جهت اشخاص و موسسات مختلف ارسال شده است :

بیش از ۲۰ تن مبارز مسلمان ، جوانان ارزنده و با ایمانی که صدکک به برادران فلسطینی و پیشبرد آرمان مقدس آنان را داشته اند ، بهیچ از سه ماه است در دست جلادان خون آشام و سرسپرده صهیونیسم اسیرند . و دادگاه فرمایشی آماده است تا بحکم محکومیتی که از قبل برای آنان تعیین شده صورت رسمی داده و آنان را تسلیم جویه در نمایندند . آدمکشان مصممند تا مجاهدان روشنگر و تحمیلگر در مرا بجرم ایمان ، حق و عدالت ، بجرم آزادی ، آزاد بخوای ، ویرزندگی و بجرم طرفداری از مسلمانان در بد روستند بده فلسطینی محکوم کنند . ای مسلمانان با ایمان و خدا شناس ، همنوعان و برادران تود روزیر زنجیر بید و نا بید ای استمرار - گران صیرند ، سکوت من و تو جنایت است در حق انسانهای آزاده و غیباست بپهه اصول انسانی است .

(اقدام لازم برای شناسائی و دستگیری عاملین تهیه و توزیع بعمل آمده است)

ب - حزب زحمتکشان ملت ایران جلسات نامرتبی در محل حزب مذکور و منزل مظفر بقائی رهبر این حزب تشکیل داده و در یکی از جلسات پیرامون حق حاکمیت دولت شاهنشاهی ایران بر سه جزیره دهانه خلیج فارس و استقرار نیروهای ایران در منطقه خلیج فارس بحث و مظفر بقائی اظهار داشته :

در این مورد توافق قبلی بوده زیرا قریب دو سال است که در این باره مقامات دولت ایران با دولت انگلستان مذاکره میکنند تا بالاخره معامله انجام گرفت و دولت ایران قریب ۲۰۰ میلیون دلار به ارباب بزرگ یعنی انگلستان پرداخت نمسود
نا برده / ...

سری

سری

نابرده همچین درد نهاله اظهارات خود گفته :

دستگاه متوجه اشتباه خود در مورد برگزاری جشنها شده زیرا عکس العمل آن در خارج رضایتبخش نبوده است.

ت - حزب پان ایرانست جلسات غیرمنظم خود را در تهران و شهرستانها تشکیل داده و پس از استقرار نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران در سه جزیره تنگه هرمز از طرف این حزب کنفرانسها و میتینگهایی در تهران و برخی از شهرست آنها تشکیل داده است. این حزب دارای شعب حزبی است تشکیل ضمن تأیید حق حاکمیت دولت شاهنشاهی برجایز بر منور و اعلام پشتیبانی حزب پان ایرانست از اسیس سیاست ، روش دولت بعثی عراق را پشت مدت محکوم و اعلامیههای متعددی نیز در این زمینه تهیه و توزیع کرده اند .

محسن پزشکیور رهبر حزب مذکور در مصاحبه مطبوعاتی که در هتل ویکتورهای تهران انجام گرفته در پاسخ یکی از خبرنگاران داخلی که سؤال نموده بود آنها عدم شرکت حزب پان ایرانست در انتخابات دوره ۲۳ مجلس شورای ملی بنحاطس نداشتن حوزه های انتخاباتی بوده ؟ اظهار داشته :

بعثت تجاوز و دولت کنونی و توتنیف غیرقانونی روزنامه خاک و خون و دخالت مستقیم حزب و دولت ایران نوین در انتخابات با داشتن پیروزی در ۷۰ حوزه از شرکت در انتخابات خود داری نموده و امید داریم در انتخابات آینده با موفقیت چشمگیری شرکت داشته باشیم .

ت - حزب ایران پان جلسات غیرمنظمی در تهران و کرمان داشته است و رو به پرفته فعالیت چشمگیری نداشته است .

۰۰۰/ج

سری





در دوره بیست و سوم نیز حزب ایران نوین همچنان که همه مردم می دانستند در انتخابات مجلسین پیروز شد. انتخابات در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۵۰ برگزار شد.^۱ حزب ایران نوین ۲۳۰ کرسی و حزب مردم ۳۷ کرسی در انتخابات به دست آوردند.^۲ ۷۳ نفر از حزب ایران نوین و ۱۷ نفر از حزب مردم برای اولین بار به مجلس راه پیدا کردند.^۳

فروپاشی احزاب نمایشی و انتخابات فرمایشی به نفع یک حزب!

ایجاد سیستم تک حزبی در دوره بیست و چهارم که آخرین دوره مجلس شورای ملی بود، پایانی بر انتخابات چند حزبی رژیم بود. شکست دو حزب «ایران نوین» و «مردم» و برنتابیدن انتقاد محدود سیستم دو حزبی که خواه ناخواه پدید می آمد، باعث شد شاه ناگهان در زمستان سال ۱۳۵۳ هر دو حزب را منحل و به جای آن در اسفندماه آن سال، سیستم یک حزبی و حزب «رستاخیز» را پدید آورد.^۴ هویدا با حفظ سمت نخست وزیر، دبیر کل حزب شد.^۵ در دوره بیست و چهارم، تنها کسانی می توانستند نامزد نمایندگی مجلس شوند که در حزب رستاخیز عضویت داشته باشند. بنابراین قرار گرفتن در لیست منتشره از سوی حزب، شرط اول کار بود.^۶ در هر حوزه انتخاباتی چندین نامزد حزبی اجازه فعالیت داشتند و صلاحیت این نامزدها را کمیسیون های حزبی و نیروهای امنیتی از پیش تأیید کرده بودند.^۷ برخلاف گذشته که وزیر کشور و عمال این وزارت نقش تعیین کننده داشتند، در این دوره آنچه حزب تصویب می کرد قابل اجرا بود. فاصله زمانی از یازدهم اسفند ۱۳۵۳ که شاه موجودیت حزب را اعلام کرد تا ۸ خرداد ۱۳۵۴ که حزب نام نامزدهای انتخاباتی را در مطبوعات انتشار داد، به صد روز هم نرسید.^۸ در واکنش به تشکیل این حزب و انتخابات متعاقب آن، امام خمینی (ره) در پیامی به مردم ایران، اجبار ملت به ورود در حزب، انتخابات قلابی و تشکیل مجلس فرمایشی را محو مشروطیت و نقض قانون اساسی اعلام کردند.^۹

۱. اطلاعات، س ۴۶، ش ۱۳۵۳۹، ۱۳۵۰/۴/۱۷، ص ۱.

۲. همان، ش ۱۳۵۴۱، ۱۳۵۰/۴/۲۰، ص ۱.

۳. همان، ش ۱۳۵۴۰، ۱۳۵۰/۴/۱۹، ص ۴.

۴. مارک گازوویورسکی، همان، ص ۳۳۲.

۵. محمدعلی سفری، همان، ج ۳، ص ۴۶۸.

۶. همان، ص ۴۸۰.

۷. فخرالدین عظیمی، همان، ۱۳۸۷، ص ۶۸.

۸. محمدعلی سفری، همان، ج ۳، ص ۴۸۰.

۹. صحیفه امام، ج ۳، ص ۷۴.

در ۳۰ خرداد ۱۳۵۴، اخذ رأی برای بیست و چهارمین دوره مجلسین شروع شد.^۱ در حالی که رادیولندن اعلام کرد چهل درصد جمعیت حائز شرایط کشور در انتخابات شرکت کرده‌اند، جمشید آموزگار وزیر کشور گفت کل واجدین شرایط برای شرکت در انتخابات رقمی در حدود سیزده میلیون نفر می‌باشد، از این عده شش میلیون و هشتصد هزار نفر که ۵۲ درصد کل جمعیت حائزین شرایط را تشکیل می‌دهند در انتخابات اخیر شرکت کردند.^۲ اما شمار رأی‌دهندگان از نیمی از این رقم هم کمتر بود؛^۳ با وجود آن که شایعه شده بود کسانی که شناسنامه‌شان مهر انتخابات نخورد، به انحای مختلف مجازات خواهند شد. عده کثیری از مردم در جریان رأی دادن شرکت نکردند.^۴ طبق روال دوره‌های گذشته، تقلبات انتخاباتی از سوی حکومت به شکل گسترده انجام شد. نویسندگان کتاب *قلم و سیاست* که خود در جریان انتخابات بیست و چهارم حضور داشته، می‌نویسد با دیدن یک دسته رأی که حدود سی برگ و یک‌جا بود، از رئیس حوزه پرسیده مگر امکان ریختن سی رأی به صورت دسته توسط یک نفر وجود دارد؟ رئیس حوزه در جواب با طعنه می‌گوید: «شما که غریبه نیستید صدتایی‌اش را هم داشتیم».^۵ در پایان انتخابات، امام خمینی مشارکت پایین ملت برای عضویت در حزب و انتخابات فرمایشی را نمونه بیداری ملت دانستند.^۶ ایشان با پیام «سلام من بر مؤمنین و مسلمین سراسر کشور که با عدم شرکت در حزب تحمیلی و انتخابات غیر قانونی مشت محکمی بر دهان یاوه‌سرایان زدند»، خشنودی خود را از این امر ابراز کردند.^۷

بدین ترتیب انتخابات آخرین مجلس رژیم پهلوی که به «مجلس رستاخیز» معروف بود،^۸ پایان یافت و مجلس بیست و چهارم در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۵۴ افتتاح شد.^۹

مجلس مؤسسان و انتخابات فرمایشی

مجلس مؤسسان که با هدف نگارش و تصویب قانون اساسی کشور یا اصلاح و بازنگری آن در نظام مشروطیت پیش‌بینی شده بود، نخستین بار در سال ۱۳۰۵ ه.ش، به منظور خلع

۱. اطلاعات، ش ۱۴۷۳۷، ۱۳۵۴/۳/۲۹، ص ۱.

۲. همان، ش ۱۴۷۳۸، ۱۳۵۴/۳/۳۱، ص ۴.

۳. فخرالدین عظیمی، همان، ۱۳۸۷، ص ۶۸.

۴. محمدعلی سفری، همان، ج ۳، ص ۴۸۲.

۵. همان، ص ۴۸۳-۴۸۲.

۶. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۰۱.

۷. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱۰۲.

۸. محمد مروار، همان، ص ۳۳۲.

۹. زهرا شجیعی، همان، ج ۴، ص ۲۳۹.





سلطنت قاجار و روی کار آمدن رضاخان تشکیل شد. از اواسط سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴هش تبلیغات سازمان یافته‌ای علیه مراجعت احمدشاه به ایران و خلع سلطنت از سلسله قاجار آغاز شد.^۱ خلع سلطنت منوط به تشکیل مجلس مؤسسان و فکر تشکیل آن مربوط به علی‌اکبر داور بود.^۲

در تشکیل نخستین مجلس مؤسسان، مجلس پنجم شورای ملی که خود ماحصل انتخاباتی فرمایشی از سوی رضاخان بود، نقش گسترده‌ای داشت. تیمورتاش و داور که از افراد نزدیک به رضاخان بودند، نمایندگان مجلس را به مقرر نخست‌وزیر فراخوانده و آنها را مجبور می‌ساختند تا درباره وفاداری و پشتیبانی خود از رضاخان سند کتبی بدهند. در ۲۱ اکتبر سال ۱۹۲۵/۲۹ مهر ۱۳۰۴ بنا به پیشنهاد تدین نایب‌رئیس مجلس، مجلس پنجم تصمیم گرفت که سلسله قاجار را منقرض اعلام نموده و اداره موقت کشور را به رضاخان پهلوی بسپارد. اما انتخاب قطعی شکل حکومت و استقرار آن می‌بایست با تصویب مجلس مؤسسان باشد. در ماه نوامبر ۱۹۲۵/آبان ۱۳۰۴، انتخابات مجلس مؤسسان صورت گرفت^۳ که از سوی علما، اصناف و برخی از نمایندگان مجلس مخالفت‌هایی علیه آن شکل گرفت. در این رابطه امام خمینی در کشف/اسرار متذکر شدند مجلس مؤسسائی که برای تشکیل یک حکومت یا تغییر یک رژیم برقرار می‌شود باید از فقهای خردمند عالی‌مقام که به عدالت و توحید و تقوی و بی‌غرضی و ترک هوی موصوف باشند تشکیل شود.^۴

به رغم مخالفت‌ها، داور فوراً آئین‌نامه مجلس مؤسسان را تهیه و به وزارت داخله جهت اجرا تسلیم کرد. مجلس پنجم هم فوراً اعتبار آن را تصویب کرد. داور و دوستانش لیست نمایندگان را تهیه کردند و سعی شد در این مجلس حتی یک مخالف هم نباشد.^۵ در انتخابات، کسانی بایستی انتخاب می‌شدند که طرح راجع به تغییر سلطنت را قبل از طرح در مجلس (در منزل سردار سپه) امضا کرده یا قبلاً قول رأی سلطنت پهلوی را داده باشند.^۶ صورت اسامی نمایندگان مجلس مؤسسان قبلاً به وسیله کارمندان دولتی و پلیس تهیه شده بود. تقریباً همه آنهايي که به عنوان نمایندگان مجلس مؤسسان انتخاب شدند، بدون استثناء

۱. میخائیل سرگئی یویچ ایوانف، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۶.

۲. باقر عاقلی، داور و عدلیه، تهران، علمی، ۱۳۶۹، ص ۸۶.

۳. میخائیل ایوانف، همان، ص ۱۷.

۴. روح‌الله خمینی، کشف/اسرار، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا، ص ۲۳۳.

۵. باقر عاقلی، همان، ۱۳۶۹، ص ۸۶.

۶. حسین مکی، همان، ج ۳، ص ۴۸۷.



از طرفداران پادشاهی رضاخان بودند.^۱ حسین مکی می‌نویسد به طور قطع اگر انتخابات آزاد بود از بیست و چهار نفر، شاید دو یا سه نفر آنها انتخاب نمی‌شدند. در تهران از انتخاب اشخاصی که دارای آرای طبیعی بودند جلوگیری کردند و به همین دلیل مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک، مستوفی‌الممالک، مصدق‌السلطنه، مدرس، تقی‌زاده که در موقع تغییر سلطنت روی موافقی نشان نداده بودند انتخاب نشدند.^۲

توده‌های وسیع مردم عملاً در این انتخابات که تحت فشار مقامات دولتی انجام می‌گرفت و کاملاً قلبی بود شرکت نداشتند.^۳ عبدالله مستوفی می‌نویسد:

مردم چون قبل از وقت فهمیده بودند که دولت در هر حال مقصود خود را پیش خواهد برد، در انتخاب نمایندگان علاقه‌ای نشان ندادند. دولت نام هر کسی را می‌خواست از صندوق بیرون می‌کشید.^۴

در تهران و شهرستان‌ها از طرف عمال سردار سپه و مأمورین شهربانی و قشونی فعالیت زیادی ابراز می‌شد. کسانی حق داشتند انتخاب شوند که در «لیست» دولت صورت داده شده بودند. این لیست را شهربانی و داور و چند نفر دیگر تهیه کرده بودند. در تهران مأمور انتخاب اشخاص در لیست، شهربانی بود ولی در شهرستان‌ها رؤسای قشونی بود.^۵

مجلس مؤسسان در روز ۱۵ آذرماه ۱۳۰۴ با حضور رجال و روحانیون تشکیل شد؛^۶ عده نمایندگان مجلس مؤسسان را دو برابر عده نمایندگان مجلس شورا مقرر داشته و از اوایل آذر (۱۳۰۴) پیش‌رس نمایندگان وارد تهران شدند و تا ۱۵ آذر، ۲۴۱ نفر از آنها حاضر بودند و این روز برای افتتاح مجلس تعیین شد.^۷ مجلس مؤسسان در جلسه چهارم، مواد ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی را که راجع به سلطنت محمدعلی‌شاه قاجار و اعقاب او بود، با تفویض به رضاشاه و اعقاب وی، تغییر داد.^۸ در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۲۵ / ۲۱ آذر ۱۳۰۴ ش، مجلس مؤسسان رضاخان را پادشاه ایران اعلام نمود.^۹ بدین ترتیب نخستین مجلس مؤسسان که طی انتخاباتی فرمایشی تشکیل شده بود، به استقرار حکومت پهلوی منجر شد.

۱. میخائیل ایوانف، همان، ص ۱۷.

۲. حسین مکی، همان، ج ۳، ص ۴۸۴.

۳. میخائیل ایوانف، همان، ص ۱۷.

۴. عبدالله مستوفی، همان، ص ۶۶۸.

۵. حسین مکی، همان، ج ۳، ص ۴۸۴.

۶. باقر عاقلی، همان، ۱۳۶۹، ص ۸۷.

۷. عبدالله مستوفی، همان، ص ۶۶۸.

۸. همان، ص ۶۷۱.

۹. میخائیل ایوانف، همان، ص ۱۷.



مجلس مؤسسان برای دومین بار در سال ۱۳۲۸/۱۹۴۹ تشکیل شد. محمدرضا پهلوی به دلیل تمایلات استبدادی و به دنبال افزایش قدرت مجلس بعد از سقوط رضاشاه، در صدد تصاحب حق انحلال مجلس بر آمد. سوء قصد نافر جام به هنگام حضور رسمی در دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، فرصت مورد انتظار را برای او به وجود آورد.^۱ بیست روز بعد از این واقعه، شاه نمایندگان فراکسیون‌های مجلس را به دربار احضار نمود و با لحن تهدید آمیزی تصمیم خود را برای تشکیل مجلس مؤسسان جهت تجدید نظر در بعضی از اصول قانون اساسی و افزایش اختیارات مقام سلطنت به آنها ابلاغ نمود. مجلس در مقابل تصمیم شاه مقاومتی نکرد و در نتیجه فرمان انجام انتخابات مجلس مؤسسان در اسفند ۱۳۲۷ صادر گردید.^۲

تصمیم شاه به عنوان اقدامی در نقض اساس مشروطیت، با اعتراض روحانیون، احزاب و جوانان تحصیل کرده رو به رو شد. امام خمینی (ره) یکی از مخالفان بودند. ابتدا مخالفت خود را با مجلس مؤسسان، مستقیماً به منوچهر اقبال اعلام نمودند و هشدار دادند این گونه تغییر به دولت این فرصت را خواهد داد که «طبق اغراض و امیال خود قانونی را ملغی و قانون دیگری را جعل نماید.»^۳ همچنین با توجه به اینکه شایع شده بود آیت‌الله بروجردی با تشکیل مجلس مؤسسان موافقت کرده‌اند، امام (ره) به همراه تعدادی از علمای دیگر به طور کتبی نظر ایشان را جویا شدند و ایشان نیز پاسخ دادند که مکرراً به شاه تذکر داده‌اند «مبادا تغییری در مواد مربوط به امور دینیّه داده شود» و در عین حال گفتند «کلمه‌ای که دلالت یا اشعار به موافقت در این موضوع داشته باشد» از وی صادر نشده است.^۴

اقدامات امام مقدمه‌ای برای نهضت انقلابی در سال‌های بعد شد. دوازده سال بعد، شاه با استناد به مصوبه مجلس مؤسسان، اقدام به انحلال مجلسین نمود و این تعطیلی حدود دو سال و نیم از اردیبهشت ۱۳۴۰ تا مهر ماه ۱۳۴۲، به طول انجامید. لوایح زیادی از جمله لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که مخالفت جدی امام، روحانیت و مردم را برانگیخت در این دوره طولانی در دولت تصویب شد، بدون آن که در مجلس درباره آنها مذاکره شود.^۵ انتخابات مجلس مؤسسان تحت مقررات حکومت نظامی به گونه‌ای برگزار شد که

۱. فخرالدین عظیمی، *بحران دیمکراسی در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، آسیم، ۱۳۸۴، ص ۳۷۳.

۲. محمود طلوعی، *بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست*، تهران، علم، ۱۳۸۷، ص ۷۳۱.

۳. حمید روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، قم، اسلامی*، ۱۳۵۹، ص ۱۰۲.

۴. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶.

۵. علیرضا علی صوفی و محمدرضا صادقی، «علل تشکیل مجلس مؤسسان در سال ۱۳۲۸ ش و نقش آن در نهضت امام خمینی»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ش ۳۲، ۱۳۹۸، ص ۴۶.



اعتراضات فراوانی را دامن زد و از رسوایی برکنار نماند.^۱ همه امور مربوط به آن، از جمله انتخابات، تدوین آئین‌نامه داخلی و حتی انتخاب افراد برای سخنرانی، همگی به شکل فرمایشی و در فضای حکومت نظامی که رزم آرا مدیریت می‌کرد، انجام شد.^۲

جلسات مجلس مؤسسان پس از گشایش، از ۱ تا ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۸ برگزار شد.^۳ اصل ۴۸ قانون اساسی تغییر داده شد و طی آن، حق انحلال بی‌قید و شرط مجلسین به شاه تفویض گردید.^۴ همچنین راه را برای تشکیل یک مجلس واحد از نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا برای تجدیدنظر در اصول دیگر قانون اساسی باز گذاشت و بر اساس یک اصل الحاقی به متمم قانون اساسی ترتیب تشکیل مجلس مؤسسان در آینده را تعیین نمود.^۵

مجلس مؤسسان برای سومین و آخرین بار در دوره پهلوی، در سال ۱۳۴۶ تشکیل شد. حکومت پهلوی این بار نیز در جهت تحکیم سلطنت شاه و موقعیت فرح، به تغییر در قانون اساسی اقدام کرد. در سال ۱۳۴۵ قانون تشکیل مجلس مؤسسان به منظور تجدیدنظر در اصول ۳۸ و ۴۱ و ۴۲ متمم قانون اساسی از مجلسین گذشت.^۶ هدف از تجدیدنظر در اصول ۳۸، ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی مشروطه در سال ۱۳۴۶ معین کردن روش انتخاب نایب‌السلطنه در مواقعی بود که ولیعهد کشور به سن بیست سال تمام نرسیده بود.^۷ مهم‌ترین کار مجلس مؤسسان سوم اصلاح اصل ۳۸ متمم قانون اساسی بود تا ترتیبی اتخاذ شود که در فاصله‌ای که در غیاب شاه تا انتخاب نایب‌السلطنه از طرف مجلس شورای ملی حاصل می‌شود، فترتی در کار سلطنت پیش نیاید و نایب‌السلطنه قبلاً تعیین شده باشد.^۸

به دنبال دومین سوءقصد به جان شاه در سال ۱۳۴۴، فرح به این نتیجه رسید که ملکه باید در صورت مرگ شاه و در حالی که ولیعهد صغیر است نایب‌السلطنه شود.^۹ به نظر می‌رسد این تصمیم بیشتر تلقین امریکایی‌ها بود که همیشه به فکر یک طرح اضطراری برای رویارویی

۱. فخرالدین عظیمی، همان، ۱۳۸۴، ص ۳۷۷.

۲. علیرضا علی‌صوفی و محمدرضا صادقی، همان، ص ۵۰.

۳. فخرالدین عظیمی، همان، ۱۳۸۴، ص ۳۷۷.

۴. علیرضا علی‌صوفی و محمدرضا صادقی، همان، ص ۴۶.

۵. محمود طلوعی، همان، ص ۷۳۱.

۶. جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴.

۷. علی‌اکبر جعفری ندوشن و حسن زارعی، تجدیدنظرهای چندگانه در قانون اساسی مشروطه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۷.

۸. اطلاعات، ش ۱۲۲۲۵، ۱۳۴۵/۱۲/۱۶، ص ۳۶.

۹. ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، تهران، پیکان، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱.



با پیشامد مرگ ناگهانی شاه یا ترور او بودند.^۱

روز ۱۶ اسفند جلسه خصوصی نیم‌ساعته‌ای با حضور هویدا در مجلس سنا تشکیل شد و متن لایحه‌ای در خصوص تغییر سه ماده از قانون اساسی و تشکیل مجلس مؤسسان به اطلاع سناتورها رسید. هویدا از همان جا به مجلس شورای ملی رفت تا لایحه مزبور را به مجلس تقدیم کند.^۲ مجلس ۲۱ شورا در اسفند ۱۳۴۵، لزوم تغییر قانون اساسی و قانون انتخابات مجلس مؤسسان را تصویب کرد.^۳

انتخابات فرمایشی مجلس مؤسسان به همراه انتخابات مجلس شورای ملی و سنا هر سه در روز ۱۳ مرداد ۱۳۴۶ برگزار شد.^۴ در انتخابات هیئت رئیسه مجلس مؤسسان حزب ایران نوین تمام کرسی‌ها را به خود اختصاص داد که این مجلس هم حزبی است.^۵ مؤسسان سوم مقرر کرد که اولاً ولیعهد وقتی می‌تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد. ثانیاً اگر به هنگام مرگ پادشاه ولیعهد به سن قانونی نرسیده باشد شهبانو بلافاصله جای او را بگیرد.^۶ مگر اینکه شاه شخص دیگری را به عنوان نایب السلطنه تعیین کرده باشد. ثالثاً در صورت فوت یا کناره‌گیری نایب السلطنه شورای نیابت سلطنت از طرف مجلسین از غیر خانواده قاجار تشکیل شود.^۷

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انتخابات به عنوان فرصتی برای پیشبرد شیوه‌های دموکراتیک و تغییر وضع موجود جامعه، در عمل با نهاد سلطنت و نقشی که مشروطیت برای آن تعیین کرده بود، ناسازگار آمد. پیامد چنین وضعیتی، ظهور اصطلاحی به نام «انتخابات فرمایشی» به جمع واژگان دایره‌المعارف سیاسی کشور بود. بررسی روند مجالس شورای ملی نشان می‌دهد که افول نقش مردم طی دوره پهلوی، به یکدست شدن مجلس و تابعیت آن از شاه و دربار کمک کرد. فرمایشی بودن انتخابات که به ویژه در دو مقطع، نخست از ظهور رضاخان تا پایان سلطنت او و دوم از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی، به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر بخشی از

۱. محمود طلوعی، همان، ج ۲، ص ۶۶۳.

۲. اطلاعات، ش ۱۲۲۲۵، ۱۶/۱۲/۱۳۴۵، ص ۳۶.

۳. جلال‌الدین مدنی، همان، ص ۱۶۳.

۴. علی‌اکبر جعفری ندوشن و حسن زارعی، همان، ص ۱۹۱.

۵. همان، ص ۱۹۲.

۶. جلال‌الدین مدنی، همان، ص ۱۶۴.

۷. همان، ۱۶۵.

جریان انتخابات مجلس شورای ملی شده بود، به قدری آشکار بود که افراد منتخب، نه نماینده منافع مردم که مجری سیاست‌های دربار بودند و در بزنگاه‌های مختلف تاریخی این دوره، به ابزاری جهت تحمیل خواسته‌های حاکمیت و بالعکس تضعیف نقش ملت و نیاز آنها تبدیل شد.

همچنین با تشکیل مجلس مؤسسان، رژیم پهلوی در جهت استقرار و افزایش خودکامگی، به کرات قانون اساسی و متمم آن را که مبنای مشروطیت بود مورد تجاوز قرار داد. انتخابات فرمایشی این مجلس در دوره نخست، مبنایی برای رسمیت یافتن حکومت استبدادی رضاشاه شد و در دوره‌های دوم و سوم در جهت تشدید دیکتاتوری محمدرضاشاه نقش خود را ایفا کرد.

